

محمود عزمی *

عبدالرضا همدانی **

اشاره

مقاله برای تبیین میزان توانایی‌های نظامی اسرائیل، تنظیم شده است. نویسنده ساختار ارتش اسرائیل و ماهیت اهداف تشکیل دهنده تفکرات استراتژیک چنین ارتشی را کاملاً در تقابل با دیگر نیروهای نظامی منطقه خاورمیانه تلقی می‌کند. وی در ابتدا به بررسی ویژگی‌های تفکر نظامی اسرائیل می‌پردازد و سپس تأثیرات چنین تفکری را بر بخش‌های مختلف ارتش اسرائیل، به لحاظ تعداد نیروها، حجم تسلیحات و اهمیت استراتژیک آنها، ارزیابی می‌کند و عقیده دارد اسرائیل قادر است با توجه به قدرت نظامی خویش به مقابله با تمامی کشورهای عربی منطقه برخیزد، اما استراتژیست‌های اسرائیل برای تکمیل بازدارندگی و حفظ تفوق تسلیحاتی و به منظور جبران کمبود تعداد پرسنل نظامی، توجه ویژه‌ای به گسترش توان هسته‌ای و تسلیحات اتمی دارند. به نظر نویسنده، از آنجا که ایالات متحده همواره از دولتهای عربی خواسته است تا در پی دستیابی به سلاحهای هسته‌ای نباشند، دولت اسرائیل هرگز به طور رسمی اعلام نخواهد کرد که دارای زرادخانه هسته‌ای است، زیرا ابراز چنین مطلبی در سیاستهای خاورمیانه‌ای ایالات متحده، تأثیری کاملاً منفی بر جای خواهد گذاشت و طبعاً این رژیم را نیز با فشارهایی مواجه خواهد کرد.

* کارشناس استراتژی مصر

** کارشناس ارشد علوم سیاسی

فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال هشتم، شماره ۳، پاییز ۱۳۸۰، ص ۱۷۴-۱۳۵.

برای اینکه نقش استراتژیک اسرائیل در منطقه کامل و تبدیل به ابزاری قدرتمند در خدمت امپریالیسم بین الملل «بویژه آمریکا» شود و شریکی کوچک در منافع اقتصادی و استراتژیک امپریالیسم باشد، باید یک نیروی نظامی توانمند در جهت اجرای این اهداف استراتژیک در این کشور به وجود می آمد، زیرا یاری گرفتن از نیروی نظامی بیگانه در زمینه تحقق بخشیدن به مراحل مختلف دست اندازی به سرزمینها یا مقاومت در برابر دیگر کشورهای عربی، هر بار منافع مستقیم امپریالیسم را با نیروهای ملی عرب مواجه می کرد.

یکم. ویژگیهای عام تفکر نظامی اسرائیل

فرآیند تأسیس نیروی نظامی اسرائیل به نظریه امنیت داخلی اسرائیل و این تفکر که برای اجرای اهداف استراتژیک و سیاسی رژیم صهیونیستی باید از نیروی نظامی قدرتمند بهره جست، باز می گردد. با توجه به دو اصل برتری کیفی و بازدارندگی که دو اصل اساسی در تفکر نظامی اسرائیل می باشد و با توجه به این واقعیت که توان کمی نیروهای نظامی عربی بیش از اسرائیل می باشد، اسرائیل تلاش کرد تا ارتش قدرتمندی ایجاد کند که از برتری کیفی سود جوید و بتواند کمبود نیروی انسانی خویش را در برابر برتری اعراب جبران کند. در اسرائیل همواره این پیش فرض وجود داشته است که در برابر تجمع نیروی نظامی اعراب از برتری تسلیحاتی استفاده شود، البته چنین پیش فرضی در طول پنجاه سالی که از تشکیل دولت اسرائیل می گذرد، عملاً تحقق نیافته است. این کشور در حال حاضر از چنان نیروی نظامی بهره مند است که نه تنها توان بازدارندگی همه کشورهای عربی را دارد، بلکه می تواند به یک حمله سریع و همه جانبه نیز دست بزند.

حمایت‌های نظامی فرانسه و بریتانیا در ابتدای تأسیس اسرائیل تا جنگ ۱۹۶۷ و سپس حمایت‌های همه جانبه آمریکا که تاکنون نیز ادامه دارد در کنار پیشرفت صنایع نظامی داخلی، اسرائیل را تبدیل به قدرت برتر تسلیحاتی در سطح منطقه کرده است. سلاحها و تجهیزات نظامی اسرائیل به گونه ای، در کنار سایر عوامل کمک کننده، انتخاب شده است که ضمن

تأمین اصول اساسی اندیشه نظامی اسرائیل - یعنی برتری کیفی و بازدارندگی - در خدمت یک جنگ سریع و کوتاه مدت باشد، زیرا اسرائیل به دلیل جمعیت اندک و توان اقتصادی نسبتاً محدود یارای جنگ طولانی مدت را ندارد. اصل «حمله پیشگیرانه»^۱ که کاملاً با اصل «جنگ کوتاه مدت» منطبق می باشد، در واقع این امکان را به اسرائیل می دهد که ویژگی ژئواستراتژیک «حرکت بر خطوط درونی» را به طور کامل در اختیار گیرد. اسرائیل با توجه به موقعیت جغرافیایی خود که از سمت شمال با سوریه و لبنان، از شرق با اردن و از جنوب با مصر همسایگی دارد، می تواند سریعتر از دشمنانش تمرکز قوای خود را در جبهه های مختلف به وجود آورد. اصول مطرح شده که چارچوب اندیشه نظامی اسرائیل را تشکیل می دهد پس از جنگ ۱۹۵۶، هدف غایی اسرائیل، یعنی استفاده از ابزار نظامی جهت کسب اهداف سیاسی را بنیان نهاده است.

دوم. بازتاب اندیشه نظامی بر تاکتیکهای رزم و نظامیگری

در پرتو اصول اندیشه نظامی، اساساً تسلیحات متعارف این کشور بر جنگنده های بمب افکن و تانک قرار گرفته است. نیروی هوایی با توجه به توان حمله به عمق استراتژیک کشور های عربی و فلج کردن نیروی هوایی این کشور ها، بزرگترین نیروی نظامی اسرائیل به شمار می آید، ضمن این که جنگنده های نیروی هوایی می توانند با حملات پیش دستانه* فرصت را برای تانکها فراهم آورند تا بتوانند وارد جبهه های نبرد شوند و ضمن قطع خطوط ارتباطی دشمن، موقعیتهای دفاعی اعراب را از بین برده و در مراکز فرماندهی پشت جبهه و لجستیک تشویش و اضطراب ایجاد کنند.

جنگ ۱۹۶۷، نمونه کاملی از این تاکتیک نظامی اسرائیل بود، اما شرایط جنگ ۱۹۷۳ تا حدودی از اتکای مطلق به هواپیما و تانک در اندیشه نظامی اسرائیل کاست و همکاری میان تانکها و نیروی زمینی وسیعتر شد. همچنین پیشرفتی کمی و کیفی در صنایع نظامی اسرائیل در زمینه ساخت موشکهای ضد تانک و ضد هواپیما و موشکهای بالستیک

* Preemptive Attack

زمین به زمین پدید آمد. در همین زمان، نیروی دریایی اسرائیل نیز متحول شد و برای نفوذ در عمق دریایی کشورهای عربی توانایی بیشتری یافت. این نیرو برای حمایت از خطوط ارتباطی دریایی اسرائیل در دریای مدیترانه و دریای سرخ و حمله به عمق ساحلی کشورهای عربی اینک کاملاً توانمند است. همچنین اسرائیل تقریباً از بدو تأسیس و به طور سری به ساخت سلاحهای هسته ای روی آورده است تا بدون نیاز به چتر هسته ای خارجی، برتری و بازدارندگی مطلقی نسبت به کشورهای عربی به دست آورد و در بدترین حالات و در کلیه زمانها امنیت خویش را فراهم کند.

سوم. نشانه های پیشرفت کنونی تفکر نظامی اسرائیل

در درون ساختار نظامی اسرائیل در حال حاضر این بحث وجود دارد که تفکر نظامی به سطحی ارتقا یابد که همسان با پیشرفتهای نظامی این رژیم و کشورهای منطقه باشد. البته بخش اعظم چنین بحثهایی به صورت کاملاً محرمانه دنبال می شود. در این خصوص، اسحاق مردخای وزیر دفاع اسرائیل در ۲۹ ژوئن ۱۹۹۸ اظهار داشت که در درون ساختار نظامی اسرائیل اینک گفت و گوهایی در حال جریان است تا اندیشه نظامی اسرائیل مدرن گردد و به زودی نتیجه این گفت و گوها و مذاکرات به دولت ارائه خواهد شد. روزنامه هآرتس که این گفته ها را به چاپ رسانده است، در همین خصوص نوشت، مردخای شجاعت به خرج داد و این موضوع را در پاسخ به سخنان ژنرال ماتان ویلنای (۵۴ ساله) که گفته بود اندیشه نظامی اسرائیل نیاز به تحول دارد و پاسخگوی مشکلات دفاعی اسرائیل نیست، مطرح ساخت.^۱ شایان ذکر است که ژنرال ویلنای نامزد تصدی پست ریاست ستاد مشترک ارتش به جای ژنرال امنون لیبکن شاحاک و رقیب ژنرال شائول موفاز (۵۰ ساله) برای رسیدن به این مقام در ۹ جولای ۱۹۹۸ بود. این روزنامه در ادامه افزوده بود: «ارتش اسرائیل در آستانه ازدست دادن توان نیروی ضربتی خویش به خاطر کهنگی اندیشه نظامی و فرسودگی تجهیزات جنگی است.» جوهر گفته های ویلنای حاوی نکته جدیدی نیست، زیرا پیش از این نیز ژنرال بازنشسته «اسرائیل تال»، مشاور وزیر دفاع و فرمانده سابق یگان زره پوش، قبل و بعد از جنگ

۱۹۶۷ و فرماندهی که در این جنگ نقش بارزی در جبهه مصر ایفا کرد و تحولی در شیوه‌های جنگی پدید آورد، و به دنبال وی، کارشناسان دیگری نظیر ژنرال اسحاق بن اسراییل نیز اظهار کردند که اینک در عصر موشک‌های دوربرد قرار داریم و اسراییل در معرض حملات موشکی از سوی کشورهای عربی و اسلامی که مرز مشترکی با اسراییل ندارند قرار گرفته است و لذا تحول اندیشه نظامی، که توسط بن‌گوریون و ایگال آلون و شرکایشان در زمان تأسیس ارتش دفاعی اسراییل، شکل گرفته است، ضروری به نظر می‌رسد. هرچند وضعیت مردم شناختی و توازن قوا در منطقه به شکل سابق باقی مانده است، ولی پیشگامان اندیشه نظامی اسراییل برای تدوین چنین اندیشه‌ای متأثر از جنگ‌های ۱۹۴۸ و جنگ جهانی دوم بودند.»

این روزنامه می‌افزاید: «برای اسراییل کماکان بازدارندگی اهمیتی حیاتی دارد. به عبارت دیگر، هنوز به اطلاعات و نیروی هوایی تأکید می‌شود هرچند که به توازن میان نیروهای مختلف نظامی نیز توجه بیشتری شده است، یعنی ایجاد ساختاری دفاعی متشکل از موشک‌های بالستیک، موشک‌های میان برد، هواپیماها، سیستم‌های پیشرفته دریایی و زمینی در کنار تجهیزات لجستیک که این توان دفاعی را حفظ کند.» به عبارت دیگر، تعیین نسبتی جدید در توازن میان نیروهای مختلف ارتش اسراییل به جای نسبت کنونی و توجه بیشتر به تانک، زره پوش و نفربر مدّ نظر قرار گرفته است. روزنامه مزبور، تفکرات موافق با تحول اندیشه نظامی سنتی اسراییل را این چنین مطرح می‌کند: «در این تغییرات مطرح شده به معادلات در «حمله در مقابل دفاع» و «آتش توپخانه در برابر مانور» توجه شده است. همچنین به این واقعیت که برای به خدمت گرفتن سلاح‌های پیشرفته و گران قیمت امریکایی، دلارهای کافی موجود نمی‌باشد و کسری بودجه زیادی برای گسترش و تقویت سلاح‌ها و وسایل دفاعی سرّی اسراییل به چشم می‌خورد، توجه ویژه‌ای شده است. دولت، وزیر دفاع و رییس ستاد مشترک برای اتخاذ تصمیماتی که اولویتهای مربوط به دگرگونی و تحول نیروهای مسلح را تعیین کند، مسئولیت دارند.» این روزنامه جهت توضیح مسئولیت دولت اسراییل مبنی بر اینکه اسحاق مردخای وزیر دفاع و نتانیا‌هو، نخست‌وزیر [سابق م.] باید به اجرای این تحولات توجه کنند، نوشت: «آنها می‌توانند سیاست صلحی را در پیش گیرند که دولتهای مخالف را از اردوگاه،

دشمن خارج کند و سپس با استفاده از موقعیت، فرصتهای تقویت ارتش دفاعی اسرائیل افزایش یابد.^۲ همین روزنامه در مقاله دیگری که تحت عنوان «نقشه تدافعی جدید در حال دیدن روشنایی است» در همان روز به چاپ رسانده بود، اعلام کرد که فرماندهان سازمان نظامی اسرائیل مرحله نخست نقشه کلی تحول استراتژی دفاعی دولت عبری، یعنی اندیشه نظامی را که از ژانویه ۱۹۹۸، در جلسات گفت و گوی سری که توسط دیوید عفری معاون اول وزیر دفاع در رامات افال واقع در مرکز اسرائیل ترتیب یافته بود، به اتمام رساندند. در پایان مرحله نخست این گفت و گوها، سندی تهیه شده است که الگوهای پایه ای پیشنهادی برای استراتژی دفاعی اسرائیل را مطرح می کند و اخیراً اسحاق مردخای با آن موافقت کرده است. بر پایه این سند پنج گروه کاری تشکیل شده است؛ دو گروه برای بحث و بررسی مسایل ژئوپلیتیک بین الملل مثل پایان جنگ سرد و مشکلات خاورمیانه و سه گروه دیگر برای بحث و بررسی مسایل داخلی اسرائیل نظیر نیروهای مسلح و تحولات اقتصادی و اجتماعی اسرائیل.^۳ در ادامه مطالب مذکور، دیوید عفری، معاون اول وزیر دفاع ابراز کرد: «از ابتدای این دهه، تغییرات عمیقی نظیر پایان جنگ سرد، جنگ خلیج فارس، حمله با موشکهای زمین به زمین به اسرائیل و عملیات صلح خاورمیانه به وقوع پیوسته است، این تحولات نه تنها باعث مدرنیزه کردن استراتژی دفاعی اسرائیل شده است، بلکه ساختار چنین استراتژی را نیز دگرگون کرده است.»^۴

در ۵ جولای ۱۹۹۸، روزنامه اورشلیم پست نوشت، ژنرال «اسرائیل تال» در یکی از گردهماییهای کنفرانس مشورتی گفته است: «اسرائیل باید از توان خویش برای حمله به دشمنانش و همچنین برای انتخاب حمله پیشگیرانه و استفاده از آن، محافظت کند.»^۵ شایان ذکر است که این ژنرال اسرائیلی اندیشه رزم با نیروی همه تانکها* را که به نقش مستقل نیروی تانکها توجه می کند، در تاکتیکهای نظامی معاصر مطرح کرده است.^۶ وی از ۱ نوامبر ۱۹۶۴ فرماندهی نیروهای زره پوش را در اختیار داشت و پس از جنگ ۱۹۶۷ به فرماندهی ارتش اسرائیل منصوب شد.

* All-Tank

این روزنامه می‌افزاید، تال در همین کنفرانس اظهار کرده است که اختصاص بودجه کلان از سوی دولت جهت ساخت موشک‌های تدافعی «آرو» به منظور ایجاد سپری بزرگ در مقابل ضدموشک‌های بالستیک دشمن با نیازهای دفاعی کشور همخوانی ندارد. اورشلیم پست به نقل از تال می‌نویسد: «یکی از مسایلی که باعث نگرانی من شده است، این است که تصمیم‌گیرندگان سیاسی کشور کاملاً معتقدند که دفاع قویتر از حمله است. این اعتقاد خطرناکی است. اعراب می‌توانند وضعیت دفاعی خویش را تحمل کنند، ولی ما نمی‌توانیم، زیرا نیروهای ذخیره کافی برای چنین منظوری در اختیار نداریم.» وی با اشاره به اهمیت متحول کردن تانک‌های اسرائیلی «میرکاوا» گفت: «تنها تکیه به نیروی هوایی در جنگ‌های آینده امری بسیار خطرناک است. در جنگ ۱۹۷۳، نیروی هوایی در هفتمین روز جنگ تقریباً از کار افتاد، در حالی که تانک‌ها توانستند در میان نیروهای مصری نفوذ کنند.»

در آخرین هفته سال ۱۹۹۸ کارگاهی متشکل از ۱۵ ژنرال برای بررسی نتایج کمیسیون ۳۱ نفره کنفرانس مشورتی برای مدت سه روز تشکیل گردید و تصمیمات متعددی در خصوص تحول اندیشه امنیت و ساختار ارتش اسرائیل برای ورود به قرن بیست و یکم گرفته شد. ژنرال شائول موفاز رییس ستاد مشترک ارتش در ۱۲ ژانویه ۱۹۹۹ به طور خلاصه این تصمیمات را این چنین اعلام کرد:

۱. کاهش تعداد نیروهای ذخیره؛

۲. افزایش نیروهای اصلی جهت آمادگی بیشتر برای مقابله با هر حمله ناگهانی که در آن از موشک‌های بالستیک استفاده شود؛

۳. لغو ۲۰۰۰ شغل دایمی در ارتش که شامل ۸ درجه ژنرالی و ۲۰ درجه سرهنگی می‌شود، تا از این طریق بودجه لازم برای تهیه سلاح و ابزارهای پیشرفته فراهم گردد و ارتش از حجم کمتر و توان بیشتری برخوردار شود و بتواند موشک‌های ضدموشک بالستیک مجهزی را تهیه نماید؛

۴. فرماندهی نیروهای زمینی مسئولیت ارتش زمینی را در کلیه زمینه‌های تمرینی و ساماندهی برعهده می‌گیرد و بر مراکز فرماندهی دیگر مناطق کشور اشراف خواهد داشت تا

ریاست ستاد مشترک بتواند در ایجاد هماهنگی بین بخشهای مختلف نیروهای مسلح و اجرای مأموریتهای استراتژیک و متحول کردن اندیشه نظامی، فراغت بیشتری داشته باشد.^۷

از همین اندک اطلاعاتی که مطبوعات اسرائیل در باره تحولات اندیشه نظامی درج کرده اند، می توان فهمید که اندیشه نظامی جدید این کشور با شرایط و تحولات منطقه ای و بین المللی پس از جنگ سرد، حمله موشکی عراق به اسرائیل در جنگ خلیج فارس ۱۹۹۱ و تحولات مربوط به عملیات صلح خاورمیانه از سوی کشورهای عربی، کاملاً همخوانی دارد، اما با توجه به اختلاف نظر موجود میان طرفداران نظریه های امنیتی پیشین که هنوز قدرت را در ارتش اسرائیل در اختیار دارند و طرفداران اندیشه نظامی جدید، هنوز تحولات و تفاوت های به وقوع پیوسته، مشخص نشده است. در واقع این اختلاف نظر ها پس از جنگ ۱۹۷۳ آغاز شد و در توازن میان بخش های مختلف ارتش اسرائیل تأثیر گذاشت، به طوری که حجم و نقش نیروهای پیاده مکانیزه و توپخانه نیروی زمینی افزایش یافت، اما کماکان این مسئله که اساساً ارتش اسرائیل متکی به نقش اساسی تانک ها می باشد، محفوظ باقی ماند. ضمن اینکه حجم و مدل تجهیزات دفاع ضدتانک و هواپیما و اخیراً ضد موشک های بالستیک نیز افزایش پیدا کرده و موشک های بالستیک نیز در انواع مختلف وارد تسلیحات اسرائیل شده است. همچنین به خرید جنگنده های پیشرفته ای نظیر « اف - ۱۵ » و زیردریایی و کشتی های جنگی برای متحول کردن نیروی دریایی توجه شده است. با این وصف، هنوز اعتقاد داریم که اندیشه نظامی اسرائیل نمی تواند به طور اساسی از یک نیروی دفاعی به یک نیروی تهاجمی تغییر یابد، زیرا چنین تغییری با توانایی های استراتژیک اسرائیل در تناقض می باشد، ضمن اینکه با اهداف سیاسی و دلیل اصلی تأسیس چنین دولتی در قلب جهان عرب نیز در تعارض خواهد بود. سخنانی هم که از طریق رسانه های گروهی درز پیدا کرده است، هراس این رژیم را از تسلیحاتی همچون موشک های بالستیک سوریه، مصر و ایران نشان می دهد. به همین دلیل، بخش اعظم تلاش های فنی و پولی اسرائیل با همکاری کامل ایالات متحده آمریکا صرف ایجاد تشکیلات وسیعی از موشک های ضد موشک و هواپیما های بدون خلبانی که قادر به کشف پرتاب هر نوع موشک بالستیک و نابود کردن آن در بالای سر پرتاب کنندگان موشک و فعالیت هایی از این

قبیل می شود. در همین زمینه، اسرائیل با همکاری ایالات متحده آمریکا کوشش می کند تا سلاحی لیزری برای مقابله با موشکهای «کاتیوشا» که مقاومت ملی لبنان از آن برای جلوگیری از حملات اسرائیل علیه شهروندان لبنانی استفاده می کند، تهیه و تولید کند.^۸ در ادامه به صورت خلاصه بخشهای مختلف نیروی نظامی اسرائیل را مورد مذاقه قرار خواهیم داد.

یکم. نیروی زمینی اسرائیل

این نیرو دارای ۱۳۴ هزار سرباز آماده رزم (مرد و زن) می باشد که در سه لشکر تقسیم شده اند، البته در زمان آماده باش کامل و شرایط جنگی نیروی ذخیره و تعداد لشگرها افزایش می یابد. نیروی ذخیره متشکل از ۳۶۵ هزار سرباز (مرد و زن) می باشد که همگی آنها ظرف مدت ۴۸ الی ۷۲ ساعت آماده خواهند بود. به عبارت دیگر تعداد نیروهای زمینی اسرائیل، در حدود پانصد هزار نفر می باشد و حتی می تواند به ششصد هزار نفر نیز برسد.

۱. نیروی زرهی

۶۲/۲ درصد از نیروی زمینی در اختیار نیروی زرهی است و این امر بیانگر اهمیت این نیرو می باشد. ارتش اسرائیل دارای ۵۴۰۰ تا ۵۵۰۰ تانک است در حالی که ارتش سوریه ۴۶۰۰ تانک در اختیار دارد. اگر بخواهیم در مقام مقایسه با ارتش این رژیم، ارتش مصر را در نظر آوریم، خواهیم دید که ۴۴/۶ درصد از ارتش مصر را نیروهای زرهی در اختیار دارند و این نیروها در حدود ۳۶۵۰ تانک در اختیار دارند و این امر بیانگر ضعف ارتش مصر در مقابل ارتش سوریه و اسرائیل و اهمیت استفاده وسیع از تانک در اندیشه نظامی اسرائیل است.^۹

۲. نیروی پیاده مکانیزه

اسرائیل دارای ۹۵۰۰ نفر بر جنگی در اندازه ها و مدل های مختلف است در حالی که ارتش سوریه ۳۷۵۰ و ارتش مصر ۳۹۰۴ نفر بر در اختیار دارند. به عبارت دیگر، تفاوتی ۲۵۰

درصدی میان تجهیزات ترابری ارتش اسرائیل با ارتش سوریه و ۲۴۳ درصدی با ارتش مصر به چشم می خورد که این امر بیانگر اهمیت لجستیک در تفکر نظامی اسرائیل می باشد.

۳. توپخانه

بیش از ۱۸۱۰ توپخانه میدانی و هاوتزر در اختیار نیروی زمینی این رژیم می باشد. در جنگ ۱۹۷۳ زمانی که نیروی هوایی اسرائیل نتوانست از آتش خود جهت حمایت از نیروی زمینی استفاده کند، آتش توپخانه مصر و سوریه برتری قابل ملاحظه ای نسبت به نیروی زمینی اسرائیل یافت. از آن پس ارتش صهیونیستی نسبت به افزایش کیفی و کمی توپخانه توجه بیشتری نشان داد، به طوری که هم اینک حجم این توپخانه ۲۲ درصد بیشتر از توپخانه های سوریه و مصر می باشد.

۴. خمپاره اندازها

خمپاره اندازها از جنگ ۱۹۴۸ تا کنون نقش مهمی در ارتش اسرائیل داشته اند، زیرا طرز استفاده آنها آسان و در عین حال ارزان قیمت هستند، در تمامی شرایط قابل استفاده است، به راحتی به کار می افتند و نیروهای پیاده می توانند به سرعت از آنها استفاده کنند، ضمن اینکه ساخت آنها هزینه زیادی دربر ندارد. هم اکنون ارتش اسرائیل دارای ۲۷۴۰ خمپاره انداز سنگین می باشد، ۱۶۰۰ خمپاره انداز ۸۱ میلی متری، ۹۰۰ خمپاره انداز ۱۲۰ میلی متری، ۲۴۰ خمپاره انداز ۱۶۰ میلی متری، در حدود پنج هزار خمپاره انداز ۶۰ و ۵۲ میلی متری نیز در اختیار این ارتش می باشد.

۵. موشکهای ضد تانک:

تا قبل از جنگ ۱۹۷۳ و با توجه به اینکه اندیشه نظامی اسرائیل مبتنی بر اتکا به تانک و هواپیما بود، توجه چندانی به موشکهای ضد تانک نمی شد، اما در جنگ سال ۱۹۷۳ ارتشهای سوریه و مصر با قدرت و شدت بالایی از موشکهای ضد تانک برای از کار انداختن

تانکهای اسرائیلی استفاده کردند و موفقیت مطلوبی نیز به دست آوردند. این موفقیت نه تنها در تاریخ جنگهای اعراب و اسرائیل بلکه در تاریخ جنگهای مدرن نیز بی نظیر بود. از آن پس اسرائیل به اهمیت موشکهای ضدتانک پی برد به طوری که در حال حاضر ارتش آن دارای ۳۲۰۰ سکوی پرتاب موشکهای آمریکایی «بی جی ام - ۷۱ تاو» و «تاو - ۲» و ۱۸ هزار موشک می باشد. همچنین در حدود ۲۰۰۰ پرتابگر موشک آمریکایی در آسوان و تعداد بسیاری از سکوهای پرتاب اسرائیلی مایاتس که نمونه ای از موشک های آمریکایی «تاو» می باشد و توسط اسرائیل در سال ۱۹۸۴ طراحی و ساخته شده و با اشعه لیزر کار می کند، در اختیار ارتش اسرائیل قرار گرفته است. تعداد و مدل موشکهای ارتش اسرائیل بسیار زیاد و متنوع می باشد، اما آمار دقیقی از آنها در دسترس نیست.

۶. موشکهای ضد هواپیما و بالستیک

تاجنگ ۱۹۷۳، ارتش اسرائیل به دفاع پدافندی خود چه از لحاظ کمیت و چه از لحاظ کیفیت توجهی نشان نمی داد و معتقد بود هواپیماهای جنگنده بهترین وسیله برای مقابله با هواپیماهای دشمن می باشد. اما پس از تجربه جنگ ۱۹۷۳، این ارتش به دفاع پدافندی توجهی ویژه نشان داد، به طوری که در سال ۱۹۹۷، ۱۷ باطری موشکهای «ام ای ام - ۲۳ هاوک» ضد هواپیما که ساخت آمریکا می باشد، در اختیار ارتش اسرائیل قرار گرفت، در حال حاضر ۱۰۲ سکوی پرتاب همراه با ۳۰۶ موشک آماده پرتاب است، البته به غیر از این موارد، ۹۰۰ الی ۱۰۰۰ موشک ذخیره نیز در اختیار دارد.

همچنین چهار باطری موشک مدل «پاک - ۲» معروف به تام «پاتریوت» نیز که باز هم آمریکایی است در خدمت ارتش اسرائیل قرار گرفته است. این موشکهای دوربرد و ضد هواپیما، موشکهای بالستیک و موشکهای کروز هستند. برای موشکهای پاتریوت، ۱۶ سکوی پرتاب متحرک با ۶۴ موشک آماده پرتاب وجود دارد، ضمن اینکه ۱۲۸ موشک دیگر نیز آماده پرتاب است که فعلاً به صورت ذخیره نگهداری می شود، اما با توجه به نتایج پرتاب این موشکها در جنگ ۱۹۹۱ خلیج فارس، عملکرد این موشکها چندان رضایتبخش نیست و به همین دلیل

در حال حاضر آمریکا در تلاش است تا نمونه‌ای پیشرفته‌تر تحت نام «پاک-۳» ارایه کند. بجز موارد مذکور، هشت باطری موشکهای ضدهوایماهای در حال پرواز در ارتفاع پایین نیز که با اشعه مادون قرمز کار می‌کند و ساخت آمریکا می‌باشد، در اختیار ارتش اسرائیل قرار دارد. مدل این موشکها «ام-۴۸ الف ۱ چاپارال» می‌باشد و ۴۸ سکوی چهارگانه با ۱۹۲ موشک آماده شلیک است. تعداد این موشکها در ارتش اسرائیل در حدود ۱۱۵۲ موشک می‌باشد.

اسرائیل از سال ۱۹۹۲ با مشارکت فنی و مالی ایالات متحده در حال ساخت یک مدل موشک ضد موشک جدید به نام «آرو» می‌باشد. حداکثر برد این موشک ۵۰۰ کیلومتر است تا بتواند در دورترین فاصله از اسرائیل موشکهای بالستیک حمله کننده به آن را هدف قرار دهد.^{۱۰} البته بدون کمک از طریق ارتباط میان ماهواره‌های امریکایی به سیستم هشدار سریع اسرائیل، نمی‌توان در زمان مناسب در مقابل موشکهای بالستیک حمله کننده به اسرائیل قرار گرفت. این رژیم برای اینکه بتواند دفاع موشکی خود را بالا ببرد، از ایالات متحده درخواست کرده است تا هر چه سریعتر مدل پیشرفته «آرو-۲» را به مرحله ساخت برساند.^{۱۱} قرار بود اسرائیل در آوریل ۱۹۹۸ دو باطری موشک «آرو-۲» را دریافت کند، اما دولت اسرائیل درخواست کرد که یک باطری دیگر نیز اضافه شود، با توجه به هزینه ۱۵۰ میلیون دلاری ساخت این باطریها و در پرتو انتشار وسیع موشکهای بالستیک در سطح منطقه، ایالات متحده تصمیم گرفته است بخشی از هزینه‌های ساخت باطری سوم را تقبل نماید.^{۱۲}

یک پروژه مشترک دیگر میان اسرائیل و ایالات متحده برای ساخت موشک ضد موشک کاتیوشا که از سوی مقاومت ملی لبنان به عنوان پاسخی به حملات اسرائیل علیه شهروندان لبنانی مورد استفاده قرار می‌گیرد، در حال پیگیری است. نام این پروژه «ناتیلوس» است. توپخانه اسرائیل نیز متعدد و متنوع می‌باشد. یکی از مدلهای این توپخانه «ام-۱۶۳ فالکون» است و مدل دیگر «شیلکا» می‌باشد که مدل اخیر در اتحاد جماهیر شوروی ساخته شده است و ارتش اسرائیل تعدادی از آنها را طی جنگ ۱۹۷۳ و اشغال جنوب لبنان در ۱۹۸۲ به دست آورد. آزمایشها نشان داد که توپ «شیلکا» از فالکن امریکایی بهتر است و قدرت نشانه‌گیری آن بالاتر می‌باشد.^{۱۳}

نوع دیگری از موشکها به نام «آدامز» که ساخت اسرائیل است، به تعداد بیشماری در اختیار ارتش قرار گرفته است. این موشکها بسیار سبک وزن هستند و در زمره نادر موشکهای زمین به هوا می باشند که حتی می توان آنها را در پشت یک خودروی مسطح مثل جیب یا وانت بار قرار داد و شلیک کرد. این موشکها به طور عمودی و برای ارتفاعات پایین مورد استفاده قرار می گیرند. همچنین تعداد سه هزار موشک «رد آی» که بر روی شانه حمل و به وسیله دوربین چشمی مادون قرمز جهت گیری می شوند، در خدمت این ارتش می باشد. این موشکها ساخت امریکا است و برای مقابله با موشک روسی (سام-۷) ساخته شده و بعد از جنگ ۱۹۷۳ به ارتش این رژیم تحویل شده است. همچنین موشکهای معروف به «استینگر» که پیش از این به «رد آی-۲» معروف بود و نمونه پیشرفته تری از آن به شمار می آید به تعداد نامشخصی در اختیار اسرائیل قرار گرفته است.^{۱۴}

بدین ترتیب اهمیت تسلیحات دفاع هوایی، چه موشکهای ضد هواپیما و چه ضد موشکهای بالستیک، از بعد از جنگ ۱۹۷۳ برای ارتش اسرائیل مشخص می شود. با وجود این، هواپیماهای جنگنده کماکان ابزار اصلی دفاع هوایی علیه جنگنده های دیگر کشورها به شمار می آید، گر چه نقش دفاعی هواپیماها بعد از جنگ ۱۹۷۳ کمتر شده است. بد نیست مقایسه ای میان تسلیحات دفاع هوایی کشورهای عربی مثل مصر و سوریه با این رژیم ارایه بدهیم. به عنوان مثال، دفاع هوایی سوریه دارای حدود ۱۳۰ باطری سام ۲ و ۳ و ۶ [۵۰ باطری سام ۶]، ۸ باطری سام-۵، ۱۵ باطری سام-۸، ۲۴ باطری سام-۹ و ۹ باطری سام-۱۳ می باشد.^{۱۵}

۷. موشکهای بالستیک (زمین به زمین)

در حال حاضر سه مدل موشک بالستیکی تاکتیکی - عملیاتی در ارتش اسرائیل موجود دارد. در این میان ۲۷ سکوی پرتاب موشکهای زمین به زمین تاکتیکی از نوع «م ج م-۵۲ سی لانس» ساخت امریکا با قابلیت استفاده از کلاهکهای متعارف یا خوشه ای به وزن ۴۵۴ کیلوگرم در این ارتش وجود دارد. با استفاده از این کلاهکها، موشک می تواند حداکثر

مسافتی معادل ۷۲ کیلومتر را طی کند، اما اگر از یک کلاهک هسته‌ای با توان ۱۰ کیلویی در رأس این موشکها استفاده شود این مسافت به ۱۲۰ تا ۱۳۰ کیلومتر خواهد رسید. کارشناسان نظامی غربی معتقدند تعمیرات و بازسازی صحیح موشکهای «لانس» و دقت در حفاظت از تجهیزات الکترونیکی آن باعث می‌شود تا این موشکها بتوانند به خوبی از نیروهای نظامی پرتحرک حمایت کنند و یا اینکه هدفهای بزرگی نظیر شهرها، پایگاهها، فرودگاهها و صنایع زیربنایی اقتصادی را مورد اصابت قرار دهند.^{۱۶}

نوع دوم موشکهای بالستیک که در اختیار ارتش اسرائیل می‌باشد، موشکهای «جریکو-۱» فرانسوی می‌باشد که در سال ۱۹۶۵ در صحرای شمال آفریقا مورد آزمایش قرار گرفت. فرانسه تا قبل از اعمال تحریم نظامی پس از جنگ ۱۹۶۷ در حدود ۱۴ موشک به اسرائیل فروخت و از آن به بعد اسرائیل خود مبادرت به تولید این نوع از موشکها کرد. یکی از کارشناسان آمریکایی برآورد کرده است که اسرائیل سالانه بین ۶۰ تا ۸۰ موشک «جریکو-۱» تولید می‌کند.^{۱۷} گفته می‌شود این موشک بردی در حدود ۴۸۲ تا ۵۶۳ کیلومتر دارد^{۱۸} و قادر به حمل کلاهک هسته‌ای و کلاهک متعارف می‌باشد.

نوع سوم موشکهای بالستیک اسرائیل «جریکو-۲» می‌باشد که در داخل ساخته شده است و مدل پیشرفته‌ای از «جریکو-۱» به شمار می‌آید. این نوع موشکها از سال ۱۹۸۱ در اختیار ارتش اسرائیل قرار گرفت. اسرائیل در مه ۱۹۸۷ این موشک را مورد آزمایش سری قرار داد که موشک با طی مسافتی معادل ۸۵۰ کیلومتر در دریای مدیترانه در جنوب جزیره کرت فرو افتاد، پس از آن آزمایش دوم در ژانویه ۱۹۸۸ انجام شد. در ۱۹ سپتامبر ۱۹۸۸ رژیم صهیونیستی اولین ماهواره خود را به نام (افق - ۱) با استفاده از نوع پیشرفته و دو مرحله‌ای موشک «جریکو-۲» پرتاب کرد^{۱۹} و در ۵ آوریل ۱۹۹۵ سومین ماهواره (افق - ۳) خود را پرتاب کرد.^{۲۰} در ۱۴ سپتامبر ۱۹۸۹ سومین آزمایش موشکی خود را انجام داد که در این آزمایش، موشک از نقطه‌ای واقع در نزدیکی شهر قدس پرتاب شد و پس از عبور از قسمت وسیعی از دریای مدیترانه در ۴۰۰ کیلومتری شمال شهر بنگازی لیبی و درون دریا فرود آمد و بدین ترتیب مسافتی در حدود ۱۳۰۰ کیلومتر را طی کرد. منابع

اطلاعاتی آمریکا بر این باورند که حداکثر برد موشک «جریکو-۲» در حدود ۱۵۰۰ کیلومتر می باشد و اسرائیل در حدود یکصد موشک از این نوع تولید کرده است.^{۲۱} گفته می شود این موشک نیز قادر به حمل کلاهکهای هسته ای ۳۴۰ کیلوگرمی و کلاهکهای متعارف می باشد. مجله جینز اینتلیجنس ریویو در سال ۱۹۹۷ گزارش کرد که در حدود ۱۵۰ کلاهک هسته ای و ۵۰ موشک «جریکو-۲» در پایگاه هوایی اسرائیلی «زکریا» واقع در جنوب شرقی تل آویو، انبار شده است. روزنامه اورشلیم پست در خبری که در ۳ جولای ۱۹۹۸ منتشر کرد، نوشت موشک «جریکو-۳» دارای برد ۵ هزار کیلومتر و کلاهک هسته ای به وزن یک تن می باشد.^{۲۲}

دوم. نیروی هوایی اسرائیل

نیروی هوایی اسرائیل در واقع بدنه اصلی ساختار نظامی آن را تشکیل می دهد. با توجه به اندیشه نظامی هجومی این رژیم که برمبنای بازدارندگی و برتری کیفی استوار می باشد، می توان سه رکن اصلی این اندیشه را این چنین معرفی کرد؛

۱. توان حمله به عمق استراتژیک عربی جهت فلج کردن توان نیروی هوایی عربی و سپس وارد آوردن ضربات متعدد به نیروی زمینی در جبهه های نبرد؛

۲. حمایت پیوسته از نیروهای زمینی و زرهی برپایه تاکتیک دوگانه «هواپیما-تانک»؛

۳. اعمال یک دفاع هوایی فعال در عمق استراتژیک اسرائیل با استفاده از جنگنده های دفاعی به عنوان بهترین وسیله جهت جلوگیری از حملات هوایی دشمن.

با توجه به گزارش میلیتاری بالانس، ۹۸-۱۹۹۷، تعداد نیروی انسانی فعال در نیروی هوایی اسرائیل ۳۲ هزار نفر و مجموع این نیرو به انضمام نیروهای ذخیره به ۳۷ هزار نفر می رسد که در این میان ۲۱۸۰۰ نفر در گروه های دفاع هوایی مشغول به کار هستند، ضمن اینکه تعداد هواپیماهای آماده به خدمت ۴۴۸ هواپیما و تعداد هواپیماهای ذخیره ۲۵۰ هواپیما می باشد. همچنین ۱۳۰ هلیکوپتر مسلح در این نیرو حضور دارد. در شرایط عادی، ساعت پرواز سالانه خلبانان اصلی ۱۹۰ ساعت و خلبانان ذخیره ۷۵ ساعت می باشد.

در کنفرانس مشورتی نیروی هوایی که در ژوئن و ژوئیه ۱۹۹۸ به مناسبت پنجاهمین

سالگرد تأسیس نیروی هوایی اسرائیل و به عنوان «نیروی هوایی: نگاهی به آینده» تشکیل شد، اسحاق مردخای وزیر دفاع گفت: «علی‌رغم هزینه‌های بالای آموزش باید تعداد خلبانان نسبت به هواپیما تغییر کند، باید خلبانان بیشتری به خدمت بگیریم تا شرایط رزمی کاملاً حفظ شود و بتوان از هواپیما به دفعات استفاده کرد.» ژنرال ایتان بن الياهو، فرمانده نیروی هوایی نیز طی گفت‌وگو با روزنامهٔ اورشلیم پست که در ۱ جولای ۱۹۹۸ به چاپ رسید، گفت: «نسبت میان کادر پروازی و هواپیما طی سالیان گذشته کم شده است و به خدمت گرفتن خلبانان بیشتر یک امتیاز مثبت محسوب می‌گردد، ولی هزینهٔ آموزش خلبانان بسیار زیاد است. بدون شک وزیر دفاع می‌تواند درخواست خلبانان بیشتری برای هر هواپیما کند، ولی بودجه نیز باید افزایش یابد، زیرا تعداد خلبانان بیشتر به معنی فعالیت هوایی و ساعت پروازی بیشتری خواهد بود و این امر هزینه برمی‌باشد و باید تعادلی میان بخشهای دیگر نیروی هوایی نیز پدید آوریم.» این روزنامه افزوده است که در حال حاضر نیروی هوایی اسرائیل می‌تواند در طول شبانه روز و در شرایط مختلف جوی فعالیت رزمی کند، ولی تعداد خلبانان نسبت به هواپیماها در این کشور از دیگر کشورها کمتر است. به نوشتهٔ مجلهٔ جینز اینتلیجنس ریویو نیروی هوایی اسرائیل در صدد است تا میانگین پرواز هر هواپیمای خود را در طی یک شبانه روز به ۴ الی ۷ پرواز برساند، این در حالی است که میانگین پرواز هواپیماهای آمریکایی در طول جنگ خلیج فارس ۱،۲ برابر این میانگین است. در حالی که میانگین پرواز هواپیماهای کشورهای عربی در جنگهای گذشته کمتر از یک پرواز در روز بوده است.^{۲۳} با این حال هنوز در اسرائیل نسبت به موشکهای بالستیک زمین به زمین کشورهای همجوار بیم و اضطراب به چشم می‌خورد. برپایهٔ گزارش روزنامهٔ اورشلیم پست مورخ ۲ جولای ۱۹۹۸، دیوید عفری مشاور ویژهٔ وزیر دفاع، یکی از عالی‌رتبه‌ترین فرماندهان نیروی هوایی و معاون سابق رییس ستاد مشترک در کنفرانس مشورتی روز ۱ جولای ۱۹۹۸ گفته است: «برتری هوایی اسرائیل با توجه به وجود موشکهای زمین به زمین هفت کشور همسایه، دیگر یک بازدارندگی فعال به شمار نمی‌آید. نیروی هوایی اسرائیل در زمان حمله یک نیروی برتر قلمداد می‌شود، ولی در حالات دفاعی اگر باز دارندهٔ مناسبی در اختیار این نیرو برای مقابله با تهدیدات موشکهای زمین به

زمین وجود نداشته باشد از اهمیت نیروی هوایی کاسته خواهد شد. باید هواپیماهای ما قادر باشند تا در اولین دقایق پرتاب موشکهای بالستیکی به مقابله با آنها بروند. «عفری پنج راه حل برای حمایت اسرائیل از موشکهای بالستیک ارائه کرده است که این راه حلها عبارتند از: اطلاعات سریع، هشدار آنی، دفاع شهری، دفاع مثبت و مقابله در زمان پرتاب موشک. راه حل اخیر، عامل تهدید کشور های پرتابگر موشکهای بالستیک مجهز به کلاهکهای شیمیایی یا بیولوژیک خواهد بود، زیرا این موشکها بر فراز سر پرتاب کنندگانش فرود خواهد آمد.» وی سپس توضیح داد که تاکنون هواپیمایی که بتواند در برابر موشکهای بالستیک قرار گیرد ساخته نشده است، ولی ایالات متحده در حال ساخت یک دستگاه لیزری است که دارای توانی معادل دو مگاوات می باشد و در جلو هواپیمای حمل و نقل بوئینگ ۷۴۷-۹۰۰ اف قرار می گیرد و می توان با استفاده از این لیزر موشکهای بالستیکی را که شلیک می شوند، نابود کرد. البته نیروی هوایی آمریکا در ژوئن ۱۹۹۸، اولین آزمایش لیزری موفق در این خصوص را انجام داد. روزنامه اورشلیم پست در خاتمه مقاله خود می نویسد، برخی کارشناسان اسرائیل معتقدند که تنها راه حل این رژیم در حال حاضر استفاده از هواپیماهای بدون خلبان در جوار مرز های کشورهای که دارای این نوع از موشکها هستند، می باشد.^{۲۴}

اگرچه چنین اقدامی بسیار پر هزینه خواهد بود و استفاده از لیزر نیز نیاز به هماهنگی میان ماهواره ها و سیستمهای زمینی پیشرفته دارد که بازهم مشکلات خاص خود را به همراه خواهد داشت، لیکن همین مسئله نشان می دهد که اسرائیلیها مجدانه به دنبال راه حلی برای مقابله با این نوع از موشکها هستند. برپایه آمارهای منتشره در نشریه میلیتاری بالانس، طی دهه نود میلادی، هواپیماهای نیروی هوایی اسرائیل به شرح زیر بوده اند:

۱. در حدود ۱۷۰ هواپیمای فانتوم اف-۴ که در یک پرواز قادر به حمل ۱۲۳۳ تن سلاح هجومی می باشند. در حدود ۸۰ هواپیمای اف-۴ به عنوان ذخیره هستند. ۵۰ هواپیمای فانتوم (F-4 E 2000) و (F-4 E) مأموریت از بین بردن سیستمهای دفاع هوایی دشمن را بر عهده دارند و به همین منظور مجهز به موشکهای هوا به زمین ضد رادار هستند. همچنین ۱۴ هواپیمای فانتوم (RF-4 E) نیز مأموریت های تجسسی را انجام می دهند.

۲. نیروی هوایی اسراییل تا پایان سال ۱۹۹۷، ۶۵ جنگنده آمریکایی (F-15) در اختیار داشته است که مجموعاً قادر به حمل ۳۵۴ تن محموله جنگی بوده اند. ۱۳ جنگنده پس از پایان جنگ دوم خلیج فارس به عنوان پاداش به اسراییل داده شد. همچنین از سال ۱۹۹۸ به بعد تعداد ۲۵ جنگنده (F-15) مدل (I) با قدرت حمل سلاح هجومی به وزن ۲۷۵ تن از سوی این کشور خریداری شده است. این نوع از هواپیماها قادرند بدون سوخت گیری در آسمان مسافتی در حدود ۱۴۵۰ کیلومتر را طی کنند و به عنوان مثال می توانند نیروگاه هسته ای ایران را که در بوشهر مستقر است، مورد هدف قرار دهند.

۳. بین سالهای ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۵ مجموعاً در حدود ۲۶۰ هواپیمای جنگنده (F-16) از سوی آمریکا به این رژیم تحویل داده شده است. البته ۵۰ جنگنده (F-16) به عنوان پاداش پس از خاتمه جنگ دوم خلیج فارس به این کشور اعطا شد. این هواپیماها پیش از تحویل به نیروی هوایی اسراییل کماکان در نیروی هوایی آمریکا به پرواز در می آمدند و بین سالهای ۱۹۹۴ و ۱۹۹۵ به اسراییل ارسال شدند. جنگنده های (F-16) می توانند در یک مأموریت پروازی در حدود ۱۳۵۸ تن تسلیحات هجومی با خود حمل کنند.^{۲۵} در کنار آمارهای مزبور، احتمالاً ۱۵ هواپیمای «کفیر-سی» در مدل های مختلف در اختیار نیروی هوایی می باشد که اگر این تعداد را با هواپیماهای آموزشی - رزمی، ذخیره و هواپیماهای آمریکایی F-6، F-15 و F-16 جمع کنیم، احتمالاً این رژیم دارای ۵۳۰ جنگنده و ۳۳۶ هواپیمای ذخیره است.

تحولات آینده در نیروی هوایی اسراییل

در پاسخ به این سؤال، ایان بیران، مدیر کل وزارت دفاع اسراییل در ۱ جولای ۱۹۹۷ گفت اسراییل در صدد خرید تعداد دیگری جنگنده از آمریکا می باشد و این جنگنده ها F-15 و F-16 خواهند بود. شایان ذکر است که تا سال ۲۰۰۶ اسراییل در مجموع ۱٫۸ میلیارد دلار از آمریکا سلاح خواهد خرید. در ۴ جولای ۱۹۹۷ نیز ژنرال ایتان بن الیاهو فرمانده نیروی هوایی اعلام کرد که طی هفت سال آینده باید در حدود یکصد هواپیما به ناوگان هوایی اسراییل بپیوندند تا جایگزین هواپیماهای اسکای هاوک A-4، فانتوم (F-4) و مدل های قدیمی

(F-16) شوند.^{۲۶} بجز هواپیماهای جنگنده، هواپیماهای دیگری نیز در نیروی هوایی فعالیت دارند.

– دو هواپیمای هشدار سریع و مدیریت عملیات هوایی مدل بوبینگ ۷۰۷ و چهار هواپیمای «E-2e- Hawk- EYE»؛

– ۴۱ هواپیمای جنگ الکترونیک «دریافت، استراق سمع و پارازیت الکترونی» شامل ۶ هواپیمای بوبینگ ۷۰۷، ۶ هواپیمای «RC-12D»، سه هواپیمای (IAI-2000)، ۱۵ هواپیمای «DO-28» و شش هواپیمای «King Air -2000»؛

– سه هواپیمای گشت دریایی «IAI-1124 Seascan»؛

– ۸ هواپیمای سوخت رسان در آسمان شامل سه هواپیمای بوبینگ ۷۰۷ و پنج هواپیمای «ک سی - ۱۳۰ هرکولس»؛

– ۴۷ هواپیمای حمل و نقل شامل ۴ هواپیمای حمل تجهیزات سنگین از نوع بوبینگ ۷۰۷، ۲۴ هواپیمای «سی - ۱۳۰ هرکولس» که هر کدام قادر به حمل ۹۲ چتر باز می باشند، ۱۲ هواپیمای حمل و نقل میان وزن «سی - ۴۷ داکوتا» و ۷ هواپیمای حمل و نقل «IAI-201»؛
– ۱۳۰ هلیکوپتر جنگی از انواع آپاچی، ۵۱ هلیکوپتر، هیوز دیفندر، ۳۵ هلیکوپتر و در حدود سی هلیکوپتر کبرا؛

– ۱۴۳ هلیکوپتر حمل و نقل که مجموعاً قادر به حمل ۳۳۹۳ سرباز در یک مأموریت پروازی هستند؛

– ۱۳۸ هلیکوپتر آموزشی - رزمی که ۱۰۴ فروند از آنها در مواقع لزوم قادر به ایفای مأموریت‌های جنگی نیز می باشند؛

– ۳۰ هواپیمای ارتباطی و مأموریتی سبک که شامل دو هواپیمای «آیلندر»، بیست هواپیمای «سیسناپو - ۲۰۶» و هشت هواپیمای «کوبین ایر» می باشد؛

– تعداد نامشخصی از هواپیماهای بدون خلبان برای انجام مأموریت‌های ردیابی، اطلاعاتی و آموزشی برای حمله به هدف‌های هوایی و مأموریت‌های الکترونی مختلف از مدلهای «فایربی»، «اسکات»، «پیونیر»، «سیرشر»، «سامسون»، «دلیلاه»، «دلیله» و «هانتز سیلور آرو».

سوم. نیروی دریایی اسرائیل

نیروی دریایی این رژیم و کشورهای عربی در جنگهای ۱۹۴۸، ۱۹۵۶ و ۱۹۶۷ نقشی حاشیه ای داشتند، اما پس از غرق شدن ناو اسرائیلی «ایلات» ۲۱ اکتبر ۱۹۶۷، توسط دو قایق توپدار مصری از نوع «کومار» در نزدیکی پورت سعید به وسیله سه موشک «ستیکس»، اسرائیل مبادرت به تجدید نظر در ساختار و توان نیروی دریایی خویش کرد. در جنگ ۱۹۷۳ نیروی دریایی اسرائیل از سه لحاظ متحول شده بود:

۱. اسرائیل به این نتیجه رسیده بود که در کلیه مناطق دریای مدیترانه و دریای سرخ باید از حضور دریایی قدرتمندی برخوردار باشد، به طوری که بتواند در برابر تهدیدات هواپیماها و زیردریایی ها مقاومت کند؛

۲. با توجه به اینکه مصر توانست در جنگ ۱۹۷۳ جنوب دریای سرخ و تنگه باب المندب را در محاصره خویش درآورد، اسرائیل استفاده از زیردریایی ها و دیگر ناوگانی را که بتوانند بدون اتکا به نیروی دریایی قدرتهای بزرگ، به مقابله با چنین رویدادهایی بپردازند، مد نظر قرار داد؛

۳. توجه ویژه به اجرای تاکتیکهای نظامی «ناو-هلیکوپتر»، بدین ترتیب که هلیکوپترها با مانورها و سلاحهای خویش ناوهای دشمن را به خود مشغول کرده و در لحظه ای مناسب ناو اسرائیلی ضربه خویش را وارد می کند.

نیروی دریایی اسرائیل هم اکنون پس از نیرویهای هوایی و زمینی در جایگاه سوم نیروهای نظامی این رژیم قرار دارد. تعداد نیروهای انسانی فعال در حدود ۷ هزار ناوی می باشد که در زمان بسیج عمومی به ۱۲ هزار ناوی افزایش می یابد. مهمترین پایگاه های دریایی اسرائیل در حیفا، اشدود و ایلات واقع می باشند و به طور خلاصه تسلیحات نیروی دریایی این رژیم به شرح زیر است:

۱. زیردریایی

اسرائیل دارای سه زیردریایی «دولفین ۸۰۰» می باشد. وزن این زیردریایی ها در زیر

آب ۱۷۲۰ تن می باشد، در این زیر دریایی ها موشکهای «هاربون» با برد ۱۲۴ کیلومتر نصب شده است.^{۲۷} به نوشته روزنامه اورشلیم پست مورخ ۳ جولای ۱۹۹۸، اسرائیل در سال ۱۹۸۸ با آلمان برای ساخت این زیردریایی ها وارد مذاکره شد، اما به دلیل افزایش قیمت آن، مذاکرات در ۱۹۹۰ بی نتیجه پایان یافت. اما پس از پایان جنگ خلیج فارس و هنگامی که هانس دیتريش گینشر وزیر خارجه آلمان از اسرائیل دیدار کرد و منطقه سقوط موشکهای «اسکاد» عراقی را در «رامتگان» واقع در پنج کیلومتری تل آویو مورد بازدید قرار داد، دولت آلمان اعلام کرد که به اسرائیل دو فروند زیردریایی دولفین به صورت مجانی اهدا خواهد کرد و همین مسئله منجر به خرید یک زیردریایی دیگر از همین مدل توسط اسرائیل شد.^{۲۸} کادر این زیردریایی ها در سال ۱۹۹۴ تمرینهای آموزشی خویش را آغاز کردند. اولین زیردریایی در سال ۱۹۹۷ و دو زیردریایی دیگر در ۱۹۹۹ به این رژیم داده شد. نیروی دریایی اسرائیل معتقد است با دریافت زیردریایی های پیشرفته دولفین قادر به رویارویی با چالشهای دریای مدیترانه تا ساحل لیبی و در عمق دریای سرخ خواهد بود.^{۲۹} روزنامه آمریکایی واشنگتن تایمز^{۳۰} نیز گزارش داد اسرائیل مبادرت به نصب موشکهای کروز با کلاهکهای هسته ای بر روی این زیردریایی ها کرده است تا عامل بازدارنده ای علیه هرگونه حمله احتمالی به تأسیسات هسته ای اش از سوی ایران یا هر کشور دیگری در منطقه خاورمیانه باشد.^{۳۱} همین گزارش را نیز روزنامه گاردین چاپ لندن به چاپ رساند و نوشت^{۳۲} که تحلیلگران نظامی معتقدند کشور های اسلامی منطقه بویژه ایران بدون تردید به تسلیحات هسته ای دست خواهند یافت و بر این پایه اسرائیل باید آماده زدن ضربه دوم در صورتی که تأسیسات هسته ای اش در پایگاههای زمینی مورد حمله ناگهانی قرار گرفت، باشد. همین روزنامه به نقل از تحلیلگران آمریکایی افزود موشکهای کروز هوا به زمین که اسرائیل در حال متحول کردن آنهاست و در سال ۲۰۰۲ با نام «پاپی توربو» و با بردی معادل ۳۵۰ کیلومتر آماده استفاده خواهد بود، می تواند به راحتی با حمل کلاهکهای هسته ای به وسیله زیردریایی ها به کار رود.^{۳۳} روزنامه اورشلیم پست نیز با ذکر این نکته که زیردریایی های دولفین دارای موتور های دیزلی و الکتریکی هستند، افزود، اسرائیل دارای ۱۵۰ کلاک هسته ای و

۵۰ موشک بالستیک زمین به زمین از نوع «جریکو-۲» می باشد. این موشکها در پایگاه هوایی زاخار یا در جنوب شرقی تل آویو قرار دارند.^{۳۴} سه زیردریایی گشت زنی مدل «فیکرز-۵۰۰/۲۰۶»، طراحی آلمان و ساخت بریتانیا نیز در پایگاه دریایی حیفا قرار دارند که هم اکنون در معرض فروش می باشند.^{۳۵}

۲. ناوهای جنگی

مدل و تعداد ناوهای جنگی چنین است:

۳- ناو کوروت که می تواند در حدود ۷۴۰۰ کیلومتر را بدون سوختگیری مجدد بپیماید. با توجه به اینکه فاصله بین بندر ایلات و تنگه باب المندب در یک خط مستقیم در حدود ۲۱۰۰ کیلومتر می باشد، بنابراین این ناو می تواند با طی ۴۲۰۰ کیلومتر مسافت رفت و برگشت را طی کند و ۳۲۰۰ کیلومتر نیز برای مانورهای دریایی، سوخت ذخیره کند. مسافت میان بندر حیفا و بندر طرابلس در لیبی نیز در حدود ۲ هزار کیلومتر با خط مستقیم است. این ناوها دارای دو هلیکوپتر ضد زیر دریایی، موشکهای «هاربورن» با برد ۱۳۰ کیلومتر، موشکهای «گابریل-۲» با برد ۳۶ کیلومتر و موشکهای اسرائیلی «باراک» با برد ۱۰ کیلومتر می باشند.

- ناو / هلیکوپتر «عالیه» با وزن ۴۸۸ تن، هلیکوپترها ضد زیر دریایی هستند و ناو دارای موشکهای هاربورن و گابریل است.

- ناو موشکی / هلیکوپتر مدل «هتز» که قبلاً نیریت نامیده می شد، این ناو دارای یک هلیکوپتر ضد زیر دریایی، ۴ موشک هاربورن، شش موشک برد متوسط گابریل و ۳۲ موشک باراک می باشد.

- سه ناو بزرگ مدل «رومات». هر کدام به وزن تقریبی ۴۸۸ تن و دارای تسلیحاتی شامل دو سکوی پرتاب موشکهای دوربرد هاربورن [مجموعاً هشت موشک] و شش سکوی پرتاب موشکهای میان برد گابریل می باشد.

- ۸ ناو «رشیف» با وزن تقریبی ۴۱۵ تن برای هر کدام. این ناو می تواند بدون سوختگیری مجدد مسافت ۶۴۰۰ کیلومتر را با سرعتی معادل ۳۲ کیلومتر در ساعت

طی کند. تسلیحات اصلی این ناوها شامل دو سکوی پرتاب موشک دوربرد هاربورن [هشت موشک] و هشت موشک میان برد گابریل می باشند.

۶- ناو «میوتاچ»، هرکدام به وزن تقریبی ۲۲۰ تن^{۳۶} تسلیحات اصلی این ناوها شامل ۴ موشک دوربرد هاربورن و ۵ موشک گابریل می باشند.^{۳۷}

۳. قایقهای گشتی

۱۵- قایق گشتی ساحلی مدل «سوپر دوورا» به وزن تقریبی ۴۷ تن، این کشتی از قدرت مانور بسیار بالایی برخوردار است و حداکثر سرعت آن به ۴۸ گره دریایی، ۸۸ کیلومتر در ساعت می رسد، این کشتی دارای دو توپخانه ۲۰ میلی متری و دو موشک گابریل می باشد.

۱۵- قایق گشتی «دابور» ساخت آمریکا به وزن تقریبی ۳۵ تن و حداکثر سرعت ۲۱٫۸ گره دریایی (۴۰٫۳ کیلومتر در ساعت) دارای دو توپخانه ۲۰ میلی متری و بمبهای ضد زیردریایی می باشد. بدین ترتیب ملاحظه می شود نیروی آتش بار ناوگان جنگی رژیم صهیونیستی که در جنگ ۱۹۷۳ فقط شامل ۸۲ موشک گابریل می شد، اینک به جز توان بالای زیر دریایی ها، شامل ۳۴۸ موشک هاربورن و گابریل نیز می باشد.^{۳۸} ضمن اینکه نیروی دریایی اسرائیل از سال ۱۹۹۶، توپخانه جدیدی به نام «تایفون» ساخته است که دارای سیستم کنترل از راه دور می باشد تا احتمال به خطر افتادن جان ملوانان کمتر شود. این توپخانه مخصوص قایقهای گشتی ساحلی ساخته شده است.^{۳۹}

۴. نیروهای خاکی-آبی اصلی

برپایه آمار میلیتاری بالانس، در سالهای ۹۷-۱۹۹۴، نیروی دریایی اسرائیل تجهیزات خاکی-آبی اصلی زیر را دارا می باشد:^{۴۰} کشتی حمل و پیاده کردن تانک، ساخت هلند، مدل «بت شوا» حداکثر وزن با بار ۹۰۰ تن. سه قایق بزرگ برای پیاده کردن تانک مدل «اشدود» ساخت اسرائیل حداکثر وزن با بار ۷۳۰ تن، بدون بار ۴۰۰ تن.

۵. نیروهای کماندوی دریایی:

در حدود سیصد کماندوی زیردریایی [غواصان قورباغه‌ای] در این نیرو فعالیت می‌کنند، مدت آموزش این کماندوها بیست ماه طول می‌کشد.

چهارم. نیرو و تسلیحات هسته‌ای اسرائیل

در مورد توان هسته‌ای این رژیم اطلاعات دقیقی در دسترس نیست، اما از آنجا که داشتن حداقل اطلاعات برای امنیت ملی عربی ضروری به نظر می‌رسد، توان هسته‌ای و تسلیحات اتمی اسرائیل را بررسی می‌کنیم.

۱. نخستین توان هسته‌ای اسرائیل

اطلاعات دقیقی در زمینه تعداد بمبهای هسته‌ای ساخت اسرائیل در دسترس نیست، اما در سالهای مختلف آمار تقریبی زیر ذکر شده است:

- روزنامه اشپگل در نیمه سال ۱۹۶۹ اعلام کرد که اسرائیل در حدود پنج یا شش بمب هسته‌ای در اختیار دارد.^{۴۱} روزنامه انگلیسی تایمز نیز پس از درج سخنان افرایم کتسیر رئیس جمهور اسرائیل درباره قدرت رژیم صهیونیستی در تولید سلاحهای هسته‌ای نوشت: «فعالیت‌های هسته‌ای اسرائیل اندک است ولی همین فعالیتها، اسرائیل را قادر به ساخت ۶ یا ۷ بمب هسته‌ای در سالهای اخیر کرده است».^{۴۲}

- در ۱۶ مارس ۱۹۷۶ روزنامه نیویورک تایمز گزارش کرد، برپایه اطلاعات سازمان سیا، اسرائیل در حدود ۱۰ تا ۲۰ بمب هسته‌ای ساخته است.^{۴۳}

- مجله آمریکایی تایمز نیز در ۱۲ آوریل ۱۹۷۶ طی یک گزارش ویژه به نام «اسرائیل چگونه بمب هسته‌ای به دست آورد؟» می‌نویسد، در زمان بروز جنگ ۱۹۷۳، اسرائیل سیزده بمب هسته‌ای داشت و آنها را در ۸ اکتبر ۱۹۷۳ بدون تجهیزات انفجاریش به پایگاههای هوایی فرستاد تادر صورت حمله و نفوذ سوریه به بلندیهای جولان این بمبها آماده باشند. این مجله تأکید کرد که اطلاعات مزبور را از مقامات اسرائیلی دریافت کرده است.^{۴۴}

- در سال ۱۹۸۴، آرنولد کریمش دانشمند آمریکایی، طی یک پژوهش گسترده اعلام کرد، اسرائیل مواد لازم برای ساخت ۱۵ بمب هسته‌ای در اختیار دارد. در همین زمان پیتربری محقق آمریکایی اعلام کرد اسرائیل در حدود ۱۱ الی ۳۱ بمب هسته‌ای ساخته شده از پلوتونیوم تولید کرده است.^{۴۵}

- هنگامی که در سال ۱۹۸۶، اطلاعاتی مبنی بر تولید حدود یکصد بمب هسته‌ای در اسرائیل پراکنده شد، گزارش میلیتاری بالانس، ۱۹۸۸/۸۹ نیز ثابت کرد اسرائیل دارای یکصد کلاهک هسته‌ای است و احتمالاً کلاهکهای نوترونی نیز در این بین وجود دارد.^{۴۶} آمار این نشریه تا سال ۱۹۹۸ همین میزان کلاهک هسته‌ای را بدون هیچ تغییری نشان می‌دهد.

- در ۲۱ ژوئن ۱۹۹۱ روزنامه‌ی دیدعوت احرونوت، گزارشی از یک نویسنده‌ی اسرائیلی به نام رامی طال به چاپ رساند که گفته بود شورای ملی اطلاعات آمریکا که از سوی رییس سازمان سیا تشکیل شده است، مدتی قبل گزارشی به جورج بوش، رییس جمهور اسبق آمریکا تسلیم کرده که تسلیحات موجود در خاورمیانه را تا مه ۱۹۹۱ نشان می‌دهد و ثابت شده است که اسرائیل بین ۶۰ تا ۸۰ بمب هسته‌ای در اختیار دارد. آمارهای این گزارش که سازمان سیا آن را جمع‌آوری کرده، از آژانس امنیت ملی، آژانس اطلاعات پنتاگون و آژانس اطلاعات وزارت انرژی گرفته شده است.^{۴۷}

- در ۱۹ دسامبر ۱۹۹۵ روزنامه‌ی هآرتص با استناد به تحقیقات وزارت خارجه‌ی آمریکا گزارش کرد که اسرائیل با توجه به تولید ماده‌ی پلوتونیوم در نیروگاههای هسته‌ای دیهونا، قادر به ساخت ۷۰ بمب هسته‌ای است. برپایه‌ی این تحقیقات، اسرائیل از سال ۱۹۶۴ به طور متوسط سالانه ۱۶ کیلوگرم پلوتونیوم تولید کرده است و هم‌اینک ۳۵۰ کیلوگرم پلوتونیوم در اختیار دارد.^{۴۸} با توجه به اینکه هر کلاهک هسته‌ای نیاز به ۵/۵ کیلوگرم ماده‌ی پلوتونیوم دارد، بنابراین اسرائیل قادر بوده است که سالانه سه بمب هسته‌ای تولید کند.

- در ۲۶ دسامبر ۱۹۹۶، طارق النهر دانشمند مصری که سرگروه تیم پژوهشی کارگاه تحقیقات بازتاب هسته‌ای دانشگاه طنطاست، در گفت‌وگو با آژانس کنتاکت میدل ایست انگلستان اظهار داشت، رژیم صهیونیستی با بمبهای نوترونی چندین آزمایش انفجار هسته‌ای

انجام داده است و پژوهشهای کارگاه تحقیقات بازتاب هسته ای که از سال ۱۹۹۱ آغاز و تا ۱۹۹۶ ادامه داشت، این مسئله را مورد تأکید قرار می دهد.^{۴۹}

– روزنامه «الرأی» چاپ اردن نیز در ۳۰ نوامبر ۱۹۹۶ به نقل از منابع بریتانیایی اعلام کرد، اخیراً عکسهای ماهواره ای گرفته شده توسط ماهواره های جاسوسی روسیه و فرانسه، ثابت می کند که اسرائیل دارای ۲۰۰ کلاهک هسته ای است و این کلاهکها بر روی موشکهای دوربرد و میان برد نصب شده و در هر لحظه آماده پرواز می باشند. یک نویسنده نظامی آمریکایی به نام هارولد هوج در مجله دفاعی جینز چاپ بریتانیا نوشت که این عکسها کاملاً صحت دارد و کلاهکهای هسته ای تا مرز لبنان امتداد یافته است. به نوشته هارولد هوج، سلاحهای هسته ای در منطقه بودفات واقع در الجلیل جمع آوری می شوند، موشکهای بالستیک در منطقه بئر یعقوب در مرکز اسرائیل ساخته می شوند و بمبهای هسته ای در منطقه ایلان در نزدیکی مرز سوریه انبار می شود. پایگاه اساسی پرتاب موشکهای بالستیک که مجهز به سلاح کشتار جمعی است نیز در نزدیکی کفارزاخاریا واقع است.^{۵۰}

– یک استاد دانشگاه اسرائیلی به نام اسرائیل شاحاک که مقیم ایالات متحده می باشد، در کتاب خود تحت عنوان اسرار آشکار: سیاستهای هسته ای و خارجی اسرائیل نوشت که اسرائیل دارای ۶۰ تا ۸۰ کلاهک هسته ای است که به سمت پایتختهای عربی، تأسیسات هسته ای اعراب و برخی مناطق مهم در جمهوریهای سابق شوروی نشانه گیری شده است. وی در این کتاب می افزاید، اسرائیل آماده است تا در صورت بروز شرایطی طاقت فرسا از این تسلیحات هسته ای برای ویران کردن مراکز حساس و استراتژیک جهان عرب نظیر سد آسوان استفاده کند. این اصلیتترین محور سیاست خارجی این رژیم با تکیه بر ابقای اسرائیل به عنوان تنها نیروی هسته ای منطقه و در نزدیکی کشورهای خلیج فارس می باشد و به این ترتیب درهای سلطه به روی این منطقه از جهان که مملو از نفت است و برای آمریکا بسیار حیاتی می باشد، همواره باز خواهد ماند.^{۵۱}

– آژانس بین المللی انرژی هسته ای در ۲۸ مه ۱۹۹۸ اعلام کرد، اسرائیل در خلیج

ایلات مبادرت به آزمایش هسته ای کرده که در نتیجه آن یک زلزله به وقوع پیوسته است. «سیلوان شالوم» معاون وزیر دفاع اسرائیل در ۱۷ ژوئن ۱۹۹۸ صحت این اطلاعات را نفی کرد و گفت، اسرائیل به پیمان منع آزمایشهای هسته ای که آن را امضا کرده، پایبند است.^{۵۲}

– در خصوص همکاریهای هسته ای میان هند و اسرائیل که بویژه از سوی پاکستان مطرح شد و اجرای پنج آزمایش هسته ای در هند که گفته می شود دو آزمایش برای اسرائیل بوده است و انکار هرگونه همکاری از سوی اسرائیل و به دنبال آن اجرای شش آزمایش هسته ای از سوی پاکستان در مه ۱۹۹۸، روزنامه اورشلیم پست در مقاله ای تحت عنوان «ابره ای هسته ای بر فراز خاورمیانه» در ژوئن ۱۹۹۸ به نقل از مجله انگلیسی جینز اینتلیجنس ریویو نوشت، اسرائیل دارای موشکهای قاره پیما با کلاهکهای هسته ای هیدروژنی و موشکهای میان برد دو مرحله ای با کلاهکهای هسته ای که دارای سوخت خشک و بردی معادل سه هزار کیلومتر است، می باشد. ضمن اینکه بمبهای هسته ای با توانی متفاوت که قابلیت پرتاب از توپخانه یا آسمان را داشته باشد نیز در این میان دیده می شود.^{۵۳} بنابراین با توجه به اینکه از یک سو مسئولان و مقامات اسرائیلی اعلام می کنند که دارای توان تولید سلاح هسته ای هستند، ولی تا به حال آن را تولید نکرده اند و آمارها و ارقام مختلفی که در مورد وجود سلاحهای هسته ای در اسرائیل اعلام می شود، نمی توان به طور دقیق ابراز کرد که اسرائیل دارای چه تعداد کلاهک هسته ای است. ضمن اینکه به غیر از نیروگاههای هسته ای اسرائیل که در آن پلوتونیوم تولید می شود، اطلاعاتی محرمانه نیز در زمینه خرید پلوتونیوم از فرانسه و آفریقای جنوبی وجود دارد که مسئله ارائه آمار دقیق در مورد تعداد کلاهکهای هسته ای اسرائیل را پیچیده تر می سازد.^{۵۴}

۲. انواع بمبهای هسته ای و وسایل پرتاب آنها

اطلاعات به دست آمده از اسرائیل، آزمایشهای هسته ای این کشور در جنوب اقیانوس اطلس در ۱۹۷۹، قاچاق دستگاههای پیشرفته تجزیه ذرات از ایالات متحده و تولید مواد «لیتیم - ۶»، «تریتیوم» و «دیوتریتیوم» که ماده اولیه مورد نیاز جهت تولید بمبهای هیدروژنی به

شمار می‌آید، نشان می‌دهد که اسرائیل احتمالاً بمب هیدروژنی ۲۰۰ تنی تولید کرده است که از اندازه‌های بین‌المللی قدری کوچکتر می‌باشد. شایان ذکر است که نیروی انفجار بمب هیدروژنی بر پایه معیارهای بین‌المللی، بر مبنای مگاتن یعنی معادل انفجار یک میلیون تن «تی‌ان‌تی» محاسبه می‌گردد. یک دانشمند انگلیسی به نام فرانک برنابی در سال ۱۹۸۶ تخمین زد که اسرائیل دارای حدوداً ۳۵ بمب هیدروژنی کوچک می‌باشد.^{۵۵}

احتمال دارد اسرائیل دارای بمبهای هسته‌ای تاکتیکی با قدرتی در حدود ۲ کیلوتن و چندین بمب نوترونی باشد. بمبهای نوترونی که رونالد ریگان رئیس‌جمهور اسبق آمریکا در اوایل ۱۹۸۱ دستور ساخت و تولید آنها را صادر کرد، بهترین سلاحهای هسته‌ای در میادین جنگ به شمار می‌آید، زیرا اشعه نوترونی بعد از مدت کوتاهی تأثیر خویش را از دست داده و هیچ مسئله‌ای برای ساختمانها، دستگاهها و ... به وجود نمی‌آورد و نیروهای در حال جنگ می‌توانند باز هم از آنها استفاده کنند.*

در این باره سیمون هرش در کتاب خود می‌نویسد: «تکنیسینها در دیمونا توانستند در اواسط دهه هشتاد میلادی، صدها کلاهک نوترونی سبک که بتواند حداکثر تلفات نیروی انسانی دشمن و حداقل خسارت مادی و ساختمانی را بر جای بگذارد، ساخته و تولید نمایند.»^{۵۶} وی همچنین اضافه می‌کند که افسران سابق ارتش اسرائیل گفته‌اند در حدود یکصد بمب قابل استفاده در توپخانه‌های سنگین ۱۷۵ میلی‌متری و ۲۰۳ میلیمتری ساخت آمریکا آماده بهره‌برداری می‌باشد.^{۵۷} همین نویسندگان و البته دیگر نویسندگان نیز احتمال داده‌اند که اسرائیل دارای مین‌های هسته‌ای نیز باشد.^{۵۸}

کلاهکهای هسته‌ای اسرائیل هم با هواپیماها و هم با موشکها قابل حمل و اصابت به

* بمبهای نوترونی، بمبهای هیدروژنی کوچکی هستند که به جای شکسته شدن هسته اتم در آنها، نوعی اتحاد و ترکیب هسته‌های اتمی در آنها پدید می‌آید. این بمبها پس از انفجار، ۸۰ درصد از انرژی خود را به شکل نوترونهای فعال در می‌آورند که از جرم اشیا [مثل تانکها و ساختمانها و ...] عبور می‌کند، ۲۰ درصد باقی مانده نیز نیروی انفجار را تشکیل می‌دهد. اگر در ارتفاع ۴۵۰ متری سطح زمین این بمب منفجر شود، تنها نوترون باقی می‌ماند و اشعه متصاعد شده از آن، خاک منطقه خارج از محدوده انفجار را آلوده نخواهد کرد. این کلاهکها در مدت پنج دقیقه پس از انفجار، افراد را فلج می‌کنند و طی ۲۴ ساعت از بین می‌برند، افرادی که در شعاع ۱۵ کیلومتری انفجار نوترونی قرار گرفته باشند یا خود دچار بیماریهای صعب‌العلاج می‌شوند یا فرزندانشان که بعداً به دنیا می‌آیند دچار این گونه عوارض بدخیم خواهند شد.

هدف می باشند، جنگنده های «اسکای هاوک»، «فانتوم اف - ۴»، «کفیر - ۷/۲»، «اف - ۱۵» و «اف - ۱۶» و همچنین موشکهای بالستیکی «لانس» و «جریکو» در تمامی مدل های در دسترس و توپخانه های سنگین «ام - ۱۰۷» و «ام - ۱۱۰» در کنار موشکهای «هاربون» که در خدمت نیروی دریایی اسرائیل است، همگی توان حمل و پرتاب کلاهکهای هسته ای را دارند.

۳. سیاست هسته ای اسرائیل

اسرائیل همواره اعلام کرده است تا زمانی که کشورهای عربی مبادرت به تولید سلاح هسته ای نکنند، این کشور نیز دست به تولید این نوع سلاح نخواهد زد و هم اکنون نیز به هیچ وجه سلاح هسته ای در اختیار ندارد. در عین حال این رژیم، اعراب را در حالت شک و تردیدی قوی نگه داشته که احساس کنند دارای سلاح هسته ای است و از این طریق ایجاد بازدارندگی روانی کرده است. به عنوان مثال، در ۵ ژوئیه ۱۹۶۶ در کنیست بین نمایندگان چپگرا و دولت درمورد خلع سلاح هسته ای در منطقه و امتناع دولت از اتخاذ موضع در این زمینه و عدم اعلام صریح در زمینه تولید یا احتمال تولید سلاح هسته ای در آینده بحث شد. شیمون پرز خطاب به نمایندگان مجلس تصریح کرد: «دلیلی نمی بینم که از این جایگاه باعث اطمینان خاطر جمال عبدالناصر شوم و به او اجازه دهم که بفهمد ما چه می کنیم و چه نمی کنیم، به خوبی می دانم که اعراب درمورد برنامه های هسته ای ما در شک و تردید به سر می برند و می دانم که همین شک و تردید یک عامل بازدارنده است، چرا از این شک و تردیدها بکاهیم؟ و چرا خودمان این مسئله را هویدا نماییم؟»

پس از جنگ ۱۹۷۳ و با کاهش اطمینان اسرائیل نسبت به توان بازدارندگی نیروهای مسلح این کشور در برابر کشورهای عربی، دولت این کشور سیاست تصاعد بازدارندگی را از طریق القای شک و تردید نسبت به ساخت سلاح هسته ای در میان کشورهای عربی آغاز کرد. در چارچوب همین سیاست بود که افرایم کتسیر رئیس جمهور این کشور در جریان گفت و گو با چندین خبرنگار آمریکایی، اروپایی و داخلی در ۲ دسامبر ۱۹۷۴ به یکباره اظهار داشت: «اسرائیل توان تولید سلاح هسته ای را دارد و اگر به این مورد نیاز پیدا کردیم، آن را اجرا

خواهیم کرد.» کتسیر درباره اینکه چگونه در آینده احتمال تولید سلاح هسته ای تعیین خواهد شد، گفت: «در پرتو تحولات و تغییراتی که در سیاست مصر، سوریه، اردن و اتحاد جماهیر شوروی در آینده به وجود آید.»^{۵۹}

این سخنان در ادامه همان سیاست بازدارندگی از طریق ایجاد شک و تردید است که اسرائیل پس از جنگ ۱۹۷۳ آن را پیگیری کرده است. به همین دلیل پس از سخنان ناگهانی کتسیر، به یکباره فرماندهان، سیاستمداران، نظامیان و نویسندگان درباره همین مسئله اظهاراتی بیان کردند. روزنامه هآرتس^{۶۰} به نقل قول بخشی از سخنان «مردخای گو» رئیس ستاد مشترک در برابر دانشجویان مؤسسه تخنیهون در حیفا پرداخت و نوشت: «طی ده، پانزده سال آینده با تولید سلاح هسته ای می توان وقوع تغییرات وسیع در خاورمیانه را پیش بینی کرد.» وی ابراز امیدواری کرد که «این سلاح باعث ایجاد توازن وحشت در منطقه و کاهش خطر بروز جنگ خواهد شد.»^{۶۱} در همان روز هآرتس به مقاله ای که در مجله دولت، حکومت و روابط بین الملل که از سوی دانشگاه عبری اسرائیل به چاپ می رسد، اشاره کرد، که در آن آمده است: «همان گونه که مقرر شده است، سیاست هسته ای اسرائیل، انتخاب میان ایجاد یک زرادخانه هسته ای در یکی دو سال آینده یا به دست آوردن سلاح هسته ای بدون آزمایش آن خواهد بود. در آینده گزینش یکی از این دو سیاست را متوجه خواهیم شد.»

اندکی بعد روزنامه یدیعت احرونوت^{۶۲} با چاپ سخنانی موشه دایان، رئیس ستاد مشترک در جنگ ۱۹۵۶ و وزیر دفاع در جنگ ۱۹۶۷، که در تل آویو بیان شده بود، نوشت: «اسرائیل باید مجهز به سلاح هسته ای شود و خودش موشکهای زمین به زمین دوربرد بسازد.» روزنامه هآرتس^{۶۳} نیز به نقل از همین فرد گزارش کرد: «ماهم اینک توان تولید بمب هسته ای داریم، ما کشور کوچکی هستیم و امریکا دیگر پلیس جهان نیست و باید از خودمان دفاع کنیم.»^{۶۴}

سپس روزنامه یدیعت احرونوت^{۶۵} گزارش کرد که موشه دایان در سخنرانی خویش در مقابل اعضای اتاق بازرگانی اسرائیل - امریکا در تل آویو گفته است: «اسرائیل تا آنجا که امکان داشته، سلاحهای متعارف وارد کرده است و اینک باید به سلاح هسته ای دست یابیم تا اعراب بفهمند که ما نیز توان نابودی آنها را داریم و اگر شرایطی پیش بیاید که ادامه حیات کشور

دچار خطر شدیدی گردد، ما مجبور به بهبود کیفیت تسلیحاتمان خواهیم شد، نه کمیت آن. باید مجهز به یک اسلحه نابود کننده شویم تا عامل بازدارنده ای در مقابل اعراب باشد، ما نمی توانیم به کمیت سلاحهای پیچیده ای که اعراب دارند، برسیم و از آن باید در مسیری دیگر گام برداریم.^{۶۶}

اسحاق رابین نخست وزیر وقت اسرائیل در پاسخ به سؤال اسحاق رافیل در مورد سخنان موشه دایان در زمینه ضرورت به دست آوردن سلاحهای هسته ای توسط اسرائیل، در ۱۴ مارس ۱۹۷۶ گفت: «اسرائیل یک کشور هسته ای نیست و اولین کشور نیز نخواهد بود که چنین سلاحی را وارد خاورمیانه کند، فرصت مناسبی است که آشکارا و قاطعانه توضیح دهم که سیاستهای اسرائیل نسبت به این موضوع هیچ تغییری نیافته است.»^{۶۷}

در زمینه انتقاد از سخنان موشه دایان درباره لزوم دستیابی به سلاحهای هسته ای، «موشه کرمل» نویسنده اسرائیلی در مقاله ای که روزنامه یدیعوت احرונوت آن را به چاپ رساند، نوشت: «چنین سخنان غیر مسئولانه ممکن است باعث بروز مشکلاتی شود. دنیا از بروز جنگهای وسیع به خاطر درگیریهای منطقه ای در هراس است و احتمال انزجار شدید جهانی در صورت وارد کردن مسابقه تسلیحات هسته ای به منطقه خاورمیانه وجود دارد. از سوی دیگر، هیچ بعید نیست که این گونه سخنان کشورهای عربی را تحریک کند که هرچه سریعتر نیروگاههای هسته ای در کشور خود تأسیس کنند و تلاش کنند که با تولید خود و یا از طریق دیگران به سلاح هسته ای دست یابند.»^{۶۸}

شلوموا هرونسون، در مقاله ای که در عال همیشمار^{۶۹} به چاپ رسید، نوشت: «طی سالیان گذشته عادت کرده ایم که از زبان سیاستمداران اسرائیل حرفهای ضد و نقیض بشنویم، مبنی بر اینکه سلاح هسته ای داریم، نداریم، گرمازاست، سرمازاست.» همچنین گفته های افرایم کتسیر رییس جمهور درباره توان هسته ای اسرائیل تیر اول روزنامه های بین المللی شد، و پس از چندی این موضوع مسکوت گذارده شد و شاید هم برخی سیاستمداران اسرائیلی با خوشنودی تمام دستهایشان را به هم مالیده اند، زیرا توانسته اند بار دیگر در دنیا غوغا بر پا کنند و شک و تردید و پرسش ایجاد کنند.^{۷۰}

هنگامی که ایهود باراک رییس ستاد مشترک ارتش بود، در گفت و گو با رادیو صهیونیستی در ۲۹ سپتامبر ۱۹۹۲ اعلام کرد، هرگونه تأسیسات عربی که احتمال تولید نیروی هسته‌ای در آن برود، نابود خواهد شد و افزود: «همان گونه که از طریق همکاری بین‌المللی و سرویسهای اطلاعاتی باید تلاش جدی کنیم تا مانع از دستیابی کشورهای عربی به سلاح هسته‌ای شویم، نباید از تحرک رزمی خویش نیز بکاهیم، به عبارت دیگر باید به موازات کوشش جهت کسب صلح، سیاست خویش را در جهت افزایش قدرت نظامی نیز دنبال نماییم.»^{۷۱}

شیمون پرز نیز در یک کنفرانس مطبوعاتی در ۲۲ دسامبر ۱۹۹۵ در پاسخ به سئوالی در زمینه امکان دست کشیدن اسرائیل از انتخاب سلاح هسته‌ای گفت: «به ما صلح بدهند از سلاح هسته‌ای دست خواهیم کشید، در صورتی که صلح محقق شود و می‌توانیم در خاورمیانه، خلع سلاح هسته‌ای را اجرا کنیم.» پرز از پاسخ به سئوالی در مورد اینکه آیا اسرائیل دارای سلاح هسته‌ای است یا خیر، طفره رفت و تنها پاسخ داد: «اسرائیل اولین کشوری که به منطقه سلاح هسته‌ای وارد کند، نخواهد بود.»^{۷۲} وی در ادامه توضیح داد که «محرمانه بودن برنامه‌های هسته‌ای اسرائیل، منجر به بازدارندگی در میان کشورهای عربی شده است و تأکید کرد که در صورت بروز جنگ در منطقه، اسرائیل آغازکننده استفاده از سلاحهای هسته‌ای نخواهد بود.»^{۷۳}

پر ز در ۲۵ دسامبر ۱۹۹۵، طی گفت و گو با شبکه دوم تلویزیون اسرائیل توضیح داد: «منظور از صلحی که به خاطر آن اسرائیل دست از برنامه‌های هسته‌ای خود خواهد کشید این است که صلحی فراگیر در خاورمیانه با حضور ایران، عراق و لیبی محقق شود و در آن زمان اسرائیل به دنبال خالی کردن منطقه خاورمیانه از سلاحهای غیرمتعارف نخواهد بود.» وی افزود: «به من صلح بدهید، از نیروی هسته‌ای دست خواهیم کشید، این همه داستان است.»^{۷۴} همان گونه که ملاحظه می‌شود، پر ز در سخنان خود می‌خواهد که در یک زمان هم استراتژی بازدارندگی شک و تردید را حفظ کند و هم اینکه تأکید کند اسرائیل سلاح هسته‌ای در اختیار ندارد و اولین کشوری که مبادرت به استفاده از این سلاح در منطقه می‌کند

نیز نخواهد بود. وی از یک سواز برنامه های هسته ای اسرائیل و توان فنی ساخت سلاح هسته ای بدون اجرای عملی و دستیابی به این نوع سلاح سخن می گوید و از سوی دیگر به دنبال صلحی فراگیر در منطقه است که شامل ایران، عراق و لیبی نیز بشود تا پس از آن به دنبال خلع سلاح هسته ای در منطقه خاورمیانه باشد.

ایهود باراک، که در دولت پسر وزیر امور خارجه بود، در ۲۹ دسامبر ۱۹۹۵ طی جلسه حزب کارگر گفت، سیاست هسته ای اسرائیل نه در حال حاضر و نه در آینده، به منظور مقابله با خطرانی که سرنوشت اسرائیلها و نسل آینده را تهدید می کند، تغییر نخواهد یافت. وی توضیح داد که سیاست هسته ای اسرائیل یکی از ستونهای اصلی دولت می باشد که از مسئولیت دولت در قبال شهروندان سرچشمه گرفته است و تأکید کرد که چنین سیاستی «نه تغییر می کند و نه احتمال تغییر آن وجود دارد».^{۷۵} و باردیگر نیز باراک هنگامی که در ۱۸ ژانویه ۱۹۹۶ در زمینه توان نیروهای مسلح اسرائیل و عوامل تفوق آن سخن می گفت، با ذکر اهمیت برنامه های تسلیحاتی هسته ای اسرائیل افزود: «یکی از همین عوامل تفوق، هراس رهبران و ملل جهان عرب از توان هسته ای اسرائیل است».^{۷۶} بنیامین نتانیاهو نیز زمانی که نامزد نخست وزیری اسرائیل بود، با مسائل هسته ای رو دررو گشت. وی طی گفت و گویی با رادیو اسرائیل در تاریخ ۲۶ ژانویه ۱۹۹۶ گفت: «حتی اگر سوریه، ایران، عراق و لیبی آماده باشند در مقابل کنار گذاشتن تسلیحات غیر متعارفمان نظیر تسلیحات هسته ای، شیمیایی و میکروبی، موافقتنامه صلح را امضا کنند، من با امضای چنین معاهده ای مخالفت خواهم کرد».^{۷۷}

شیمون پسر در یک مصاحبه با تلویزیون دانمارک که در تاریخ ۲ مه ۱۹۹۸ پخش شد، به مسئله تسلیحات هسته ای اسرائیل اشاره کرد و گفت: «ما هرگز اعلام نکرده ایم که سلاح هسته ای داریم، گفتیم اولین کشوری نخواهیم بود که تسلیحات هسته ای وارد منطقه خاورمیانه می کند. قبلاً به من اطلاع داده اند که وزیر امور خارجه مصر درخواست بازدید از منطقه دیمونا را کرده است، اگر به آنجا بروند هیچ چیزی پیدا نخواهند کرد».^{۷۸} پسر در اینجا به پیشنهاد وزیر امور خارجه مصر، عمرو موسی، در فوریه ۱۹۹۵ اشاره می کند که خواسته بود

مسئولان و کارشناسان مصری از نیروگاه دیمونا بازدید کنند.^{۷۸} پرز می افزاید: «در این صورت بیم و هراس او فرو خواهد نشست و بازدارندگی ما از میان خواهد رفت، منظور من این است که شک و تردید آنها، یک عامل بازدارندگی برای ماست.» هنگامی که از لزوم دارا بودن سلاح هسته ای از پرز سؤال شد، وی پاسخ داد: «دستیابی به نیروگاه هسته ای واقعاً لازم بود تا ما به صلح دست یابیم. اگر ۴۰ سال پیش استراتژی هسته ای را در دیمونا آغاز نکرده بودیم، هرگز در اسلو به صلح در منطقه دست نمی یافتیم.» پرز بعد ها هر گونه تأییدی بوجود تسلیحات هسته ای را انکار کرد و گفت: «اسرائیل هیچ گاه رسماً اعلام نکرده است که دارای بمب های اتمی می باشد.»^{۷۹}

لیکن پرز مدتی بعد سخنانی بر زبان آورد که گویی اولین اعتراف رسمی اسرائیل در زمینه داشتن سلاح هسته ای می باشد. او طی گفت و گویی با شبکه دوم تلویزیون اسرائیل در ۵ ژوئن ۱۹۹۸ در پاسخ به این سؤال که چرا نیروگاه هسته ای دیمونا ساخته شد، بیان کرد «در آن زمان امیدوار بودیم که این نیروگاههای اسرائیلی به مذاکرات صلح با کشورهای عربی همجوار کمک کنند، من فکر می کنم در آن دوره نیز ما به [توافق] اسلو فکر می کردیم، نه به هیروشیما.» او ادامه داد: «هیچ کس بمب هسته ای نمی سازد که از آن استفاده کند، ما تنها به دنبال انتخاب نیروی هسته ای بازدارنده برای جلوگیری از جنگ بودیم.»^{۸۰} شیمون پرز همین گفته ها را در کنفرانسی مطبوعاتی که در تاریخ ۱۳ جولای ۱۹۹۸ در شهر امان برگزار شد، تکرار کرد. برپایه آنچه روزنامه معاریو^{۸۱} چاپ کرده، پرز گفته است: «ما گزینه هسته ای خویش را برای رفتن به هیروشیما به وجود نیاوردیم، بلکه می خواستیم به اسلو برویم.»^{۸۲}

اختلاط میان بازدارندگی مبتنی بر شک و تردید نسبت به قدرت هسته ای واقعی اسرائیل و اینکه آیا نیروگاه هسته ای دیمونا تنها برای مقاصد مسالمت آمیز تأسیس شده است یا خیر و انکار وجود هر نوع سلاح هسته ای در این کشور با تأکید بر اینکه توانایی بالفعل ساخت آن در هر زمانی که احساس شود، کشور دیگری سلاح هسته ای وارد منطقه خاورمیانه کرده است، وجود دارد، در واقع از چندین جهت متفاوت به امنیت ملی رژیم صهیونیستی

کمک می کند، زیرا چنین اختلاطی از یک سو به ایجاد یک بازدارندگی فعال در برابر دولتهای عربی و تصمیمات نظامی این دولتها نسبت به این رژیم می انجامد و از سوی دیگر با توجه به بیم و هراس اسرائیل از تهدید هسته ای از جانب ایران، حال چه این کشور به سلاح هسته ای دست یابد یا اینکه نیروگاه هسته ای بوشهر را هر چه بیشتر از لحاظ کمی و کیفی ارتقا بخشد، منجر به توجه اسرائیل به تأکید بر سلاح هسته ای به عنوان یک عامل بازدارنده در کل منطقه خاورمیانه می شود. البته به نظر می رسد، ایالات متحده نیز در این زمینه با اسرائیل اشتراک نظر داشته باشد. در این رابطه ایهود باراک در تاریخ ۲۷ دسامبر ۱۹۹۵ تصریح کرد: «ایران در سال ۲۰۰۱ و پس از جذب کارشناس از جمهوری های اتحاد جماهیر شوروی سابق، به یک بمب هسته ای ابتدایی دست خواهد یافت.»^{۸۳} منظور از «بمب ابتدایی» یا «بمب سنگین» همان گونه که بعضی ها آن را می نامند، بمبی است که از لحاظ حجم بزرگ و از لحاظ نیروی انفجاری نسبتاً محدود است، تقریباً شبیه به اولین بمبهای هسته ای که علیه هیروشیما و ناکازاکی در زمانی که فن آوری ساخت بمبهای هسته ای در ابتدای راه بود، استفاده شد. از این سخنان باراک می توان فهمید که تکنولوژی هسته ای اسرائیل مراحل ابتدایی را پشت سر گذاشته است.

حال با توجه به اینکه کنار گذاردن هر گونه استفاده از تکنولوژی هسته ای توسط اسرائیل منوط به برقراری صلح جامع و کامل در منطقه خاورمیانه و با حضور ایران، عراق و لیبی می باشد، البته همان گونه که شیمون پرز گفته است، و ایران نیز در سال ۲۰۰۱ به بمب هسته ای دست خواهد یافت، همان گونه که باراک می گوید و با توجه به ایدئولوژی و وضعیت سیاسی ایران، حداقل در حال حاضر، به نظر نمی رسد همگام با سایر اعراب به برقراری صلح کامل با رژیم صهیونیستی روی آورد، بنابراین اسرائیل هرگز از گزینه هسته ای خود حتی در آینده دور نیز دست برنخواهد داشت.

این رژیم با استفاده از مسئله تهدید نسبت به توان بالفعل جهت ساخت سلاح هسته ای و بدون اینکه اعتراف نماید که چنین تسلیحاتی را در اختیار دارد، موفق شده است که پیشرفته ترین سلاحهای متعارف را به دست آورد و گوی سبقت را در مسابقه تسلیحاتی از

کشورهای عربی بر باید. ایالات متحده نیز چه قبل و چه بعد از جنگ ۱۹۷۳، بر پایه این تهدید اسرائیل و به منظور جلوگیری از شروع یک مسابقه تسلیحات هسته‌ای در منطقه، بهترین سلاحها را در اختیار اسرائیل قرار داده است. سیاستهای صهیونیستی و کمکهای آمریکایی، پس از اینکه در سال ۱۹۶۸ اولین گروه از فانتومهای اف-۴ از سوی آمریکا به اسرائیل فروخته شد و همچنین در سالهای ۱۹۷۴ و ۱۹۷۸ هنگامی که آمریکا موافقت کرد تا جنگنده‌های اف-۱۵ و اف-۱۶ و موشکهای زمین به زمین «لانس» به اسرائیل داده شود، تجلی بیشتری یافت.^{۸۴} ضمن اینکه در خلال و پس از جنگ دوم خلیج فارس در سال ۱۹۹۱، آمریکا موشکهای ضد موشک پاتریوت در اختیار اسرائیل قرار داد و تا کنون هم انواع و اقسام موشکها و سلاحهای پیشرفته به اسرائیل داده می‌شود. در همین زمان، ایالات متحده به خاطر تهدیدها یا به عبارت دیگر بهانه جوییه‌های اسرائیل، موافقتنامه‌های متعددی در زمینه همکاریهای استراتژیک از اوایل دهه هشتاد میلادی و چندین ائتلاف نظامی میان نیروهای مختلف هر دو کشور، منعقد کرده است. نباید فراموش کرد که اعلام رسمی وجود تسلیحات هسته‌ای در اسرائیل هرگز به نفع سیاستهای ایالات متحده در منطقه نخواهد بود، زیرا چنین اعلامی، تأثیری کاملاً منفی در سیاستهای آمریکا که از دولتهای عربی می‌خواهد به دنبال تسلیحات هسته‌ای نباشند، خواهد گذاشت. و اصولاً همان گونه که مشخص است تحریمهای سختی که از بعد از جنگ دوم خلیج فارس بر عراق تحمیل شده، به خاطر دستیابی این کشور به سلاح شیمیایی و بیولوژیک و تلاش در راه به دست آوردن تسلیحات هسته‌ای بوده است. اما با کمال تعجب نه تنها هیچ فشاری بر اسرائیل وارد نشده است تا پیمان منع گسترش سلاحهای هسته‌ای را که در تاریخ ۱۲ مه ۱۹۹۵ به صورت ابدی مورد پذیرش قرار گرفته، امضا کند، بلکه حتی به خاطر ممانعت از پیوستن به این پیمان، مورد حمایت نیز قرار گرفته است. به عنوان مثال، رابرت پلینترو، معاون وزیر امور خارجه آمریکا در مسائل خاورمیانه در تاریخ ۲۱ ژانویه ۱۹۹۵ در شهر قاهره اظهار کرد: «هرگز امکان ندارد که به شکلی برابر میان وضعیت مصر و اسرائیل در قبال معاهده منع گسترش سلاح هسته‌ای مقایسه‌ای به عمل آورد، زیرا مصر از سوی هیچ کشوری در جهان در معرض تهدید قرار ندارد و به همین دلیل نیازی به سلاح

هسته‌ای برای مصر دیده نمی‌شود، در حالی که اسرائیل از سوی تمامی جهان عرب در معرض تهدید قرار دارد و به همین دلیل پس از برقراری صلح در منطقه قادر به امضای این پیمان خواهد بود.^{۸۵} □



یادداشتها

۱. روزنامه هآرتس، مورخ ۱۹۹۸/۶/۳۰.
2. "Updating the Military Doctrine," *Ha'aretz* Internet Edition, 30/6/1998.
3. "New Defense Plan Gets Off the Ground, *Ha'aretz*, Internet Edition, 30/6/1998.
۴. همان منبع.
5. Steve Rodan, "Tal: IDF Must Retain its First- Strike Capability," *Jerusalem Post*, 5/7/1998.
6. Edward Luttwak, *The Israeli Army*, London: A. Lane, 1975, p. 363.
۷. نگاه کنید به:
Arieh O' Sullivan, "Mofaz to Make his Mark," *Jerusalem Post*, 12/1/1999; "Smaller and Smarter," *Jerusalem Post*, 14/1/1999; Ze'ev Schiff, "Reform Fever Strikes Military," *Ha'aretz*, 15/1/1999; "Army Reform," *Ha'aretz*, 18/1/1999, and Arieh O' Sullivan, IDF Plan Calls for Greater Readiness," *Jerusalem Post*, 3/2/1999.
8. "Chemical Leak Holding Up Anti-Rocket Laser," *Jerusalem Post*, 31/3/1999.
۹. برای یک مقایسه، کلی، تمامی آمارها و تشکیلات رزمی ارتش های مصر و سوریه از این منبع استخراج شده است:
International Institute for Strategic Studies (IISS), *The Military Balance*, 1997-98, London: Oxford University Press: IISS, 1997, pp. 124 and 141.
10. Arieh O'Sullivan, "Experts: Arrow Won't Work without Sensors," *Jerusalem Post*, 26/5/1998.
۱۱. همان منبع.
12. Amnon Brazili, "Mordechai, Cohen to Discuss Arrows," *Ha'aretz*, 16/4/1998.
۱۳. اطلاعات در مورد توپ شیلکا از منبع زیر گرفته شده است: «عبدالناصر و جنگ اکتبر: چه می شد اگر عبدالناصر در مارس ۱۹۷۱ وارد نبرد می شد؟ نقشه ۲۰۰ سناریوی جانشین نقشه بدر»، فکر الاستراتیجی العربی، سال سوم، شماره های ۱۲-۱۱، آوریل و ژوئیه ۱۹۸۴، ص ص ۳۸-۴۳۳.
۱۴. ابراهیم کاخیا «الجديد في التسليح الاسرائيلي ۱۹۸۹-۱۹۸۲»، القسم الثاني، السنة ۸، العدد ۳۲، آوریل ۱۹۹۰، ص ۱۲۷.
15. IISS, *The Military Balance*, 1997-98.
۱۶. کافیا، همان منبع، صص ۱۰۰-۹۶.
17. Martha Wenger, "Recipe for an Israeli Nuclear Arsenal," *Middle East Report*, No. 143, November- December 1986, p. 14.
18. "Defense Marketing Services [DMS]," *Middle East/ Africa*, 1988, Israel, Market Overview, DMS Market Intelligence Report, Greenwich, co: DMS, 1988, p. 16.
۱۹. محمود عزمی، «القمر الاصطناعي الاسرائيلي: تأكيد للقدرة النووية الاسرائيلية»، الفكر الاستراتیجی العربی، العدد ۲۶، اکتوبر ۱۹۸۸، ص ۷-۵.
20. IISS, *The Military Balance*, 1995-96, p. 125.
21. Ramon Lopez, "Israel in Second Secret Test of Jericho IRBM," *Jane's Defense Weekly*, 19 November 1988, p. 1258.
22. Douglas Davis, "Report: Israel to Get Subs with Nuclear Strike Capability," *Jerusalem Post*, 3/7/1998.
23. Arieh O'Sullivan, "Mordechai IAF to Train more Pilots per Plane," *Jersualem Post*, 1/7/1998.
24. Arieh O'Sullivan, "Ivery Boost- Phase Interceptors Key to Defence," *Jersualem Post*, 2/7/1998.

25. Lieven Dewitte and Stefaan Vanhastel, "Israeli Airforce with F-16," <http://studwww.rug.acbe/f-16.il.htm>.
۲۶. همان منبع، ص ۳.
27. Andrew Toppan. "Fleet List: Israeli Navy," 1997, revised 28 March 1998. <http://www.uss.salem.org>.
28. Davis, "Report: Israel to Get Subs with Nuclear Strike Capability."
29. Israel Defense Forces, Spokesperon's Information Branch, "Dolphin Submarines," 1998, <http://www.Idf.il/English/UNITS/Navy/Dolphine.htm>.
30. *Washington Times*, 1/7/1998.
۳۱. به نقل از روزنامه الاهرام، ۱۹۹۸/۷/۲.
32. *Guardian*, 2/7/1998.
۳۳. به نقل از روزنامه الاهرام، ۱۹۹۸/۷/۳.
34. *Jerusalem Post*, 3/7/1998.
35. Toppan, "Fleet List: Israeli Navy,"
- ریتا حمدان، معد، «تطور القوى العسكرية لدى مصر و سوريا و الاردن و اسرائيل، ۷۳-۱۹۸۴، القسم الثالث: القوى والاسلحة البحرية»، الفكر الاستراتيجي العربي، العددان ۱۵-۱۶ يناير-ابريل ۱۹۸۶.
36. IISS, *The Military Balance*, 1997/98, p. 129.
۳۷. حمدان، معد، همان منبع، ص ۳۱۸.
۳۸. محمود عزمی، «البحرية الاسرائيلية قبل حرب ۱۹۷۳ وما بعدها»، ص ۱۲۷.
39. "The Israeli Sea Corps," <http://pwp.usa.Pipeline.Com/albatros/ins.htm>.
۴۰. مشخصات فنی از منبع زیر اخذ شده است: حمدان، معد، «تطور القوى العسكرية لدى مصر و سوريا و الاردن و اسرائيل ۷۳-۱۹۸۴، القسم الثالث: القوى والاسلحة البرية»، ص ۳۲۴-۳۲۷.
41. *Der Spiegel*, 5/5/1969.
42. *Times*, 3/12/1974.
۴۳. خليل الشقاقي، «المتطلبات التقنية للدردع النووي في الشرق الاوسط»، الفكر الاستراتيجي العربي، العددان ۲۳-۲۴ (يناير/ابريل ۱۹۸۸)، صص ۱۴-۱۳.
44. *Time*, 12 April 1976, p. 39.
۴۵. الشقاقي، همان منبع، ص ۱۱.
46. International Institute for Strategic Studies [IISS], *The Military Balance*, 1988-89 London: IISS, 1988, p. 103.
۴۷. محمد عبدالسلام، حدود القوة: استخدامات الاسلحة النووية الاسرائيلية، القاهرة: مؤسسه الاهرام، مركز الدراسات السياسية والاستراتيجية بالاهرام، ۱۹۹۶، ص ۸۶.
۴۸. به نقل از: الحياة، ۱۹۹۵/۱۲/۲۰.
۴۹. الحياة، ۱۹۹۶/۴/۲۷.
۵۰. الاهرام، ۱۹۹۶/۱۲/۱.
۵۱. الاهرام، ۱۹۹۸/۵/۲۵.
52. "Deputy Minister Denies Reports of Nuclear Test in Elat Bay," *Ha'aretz*, 18/6/1998.
53. Arie O'Sullivan, "A Nuclear Cloud over The Mid East?," *Jerusalem Post*, Internet Edition, 5/6/1998.
۵۴. فؤاد جابر، الاسلحة النووية و استراتيجية اسرائيل، ترجمة زهدى جلاله، مؤسسه الدراسات الفلسطينية، سلسلة الدراسات، رقم ۱۸، بيروت: مؤسسه الدراسات الفلسطينية، ۱۹۷۱، ص ۱۰۷-۱۰۶.
۵۵. عبدالسلام، حدود القوة، استخدامات الاسلحة النووية الاسرائيلية، ص ۸۵ و ۹۲.
۵۶. سيمورم. هيرش، خيار شمشون: ترسانة اسرائيل النووية و السياسة الخارجية الامريكية، ترجمة ميخائيل نجم خوري، ليماسول: دار قرطبة للنشر، ۱۹۹۲، ص ۲۲۱.

۵۷. همان منبع، ص ۲۴۱.
۵۸. محمد عبدالسلام، «السراب: مستقبل القوة النووية الاسرائيلية»، القاهرة: جامعة القاهرة، كلية الاقتصاد والعلوم السياسية، مركز البحوث والدراسات السياسية، دراسات في الأمن والاستراتيجية، كراسات فصلية، السنة ۳، العدد ۲، يناير ۱۹۹۵، ص ۲۹.
۵۹. محمود عزمی، دراسات في الاستراتيجية الاسرائيلية، بيروت: المؤسسة العربية للدراسات والنشر، ۱۹۷۹، ص ص ۱۳۵ و ۱۴۴، نقلًا عن: المحرر، ۱۹۷۴/۱۲/۳.
60. Ha'aretz, 20/6/1975.
۶۱. عزمی، همان منبع، ص ۱۴۷.
62. Ydrot Aharonot, 13/3/1976.
63. Ha'aretz, 29/2/1976.
۶۴. عزمی، همان منبع، ص ۱۴۹.
65. Ydrot Aharonot, 11/3/1976.
۶۶. عزمی، همان منبع، بیشتر قسمتهای نقل قول شده از روزنامه های رژیم صهیونیستی از این منبع گرفته شده است: «نشریه مؤسسه مطالعات فلسطین، شماره های ۱ و ۲، ۱۶ ژانویه ۱۹۷۶.
۶۷. عزمی، همان منبع، ص ۱۵۲.
68. Ydrot Aharonot, 17/3/1976.
69. AL Hamishmar, 9/4/1976.
۷۰. عزمی، همان منبع.
۷۱. النهار، ۱۹۹۲/۱۲/۳۰.
۷۲. الحياة، ۱۹۹۵/۱۲/۲۳.
۷۳. الاهرام، ۱۹۹۵/۱۲/۲۳.
۷۴. الحياة، ۱۹۹۵/۱۲/۲۷.
۷۵. الاهرام، ۱۹۹۵/۱۲/۳۰.
۷۶. الحياة، ۱۹۹۶/۱۱/۱۹.
۷۷. الحياة، ۱۹۹۶/۱۱/۲۷.
۷۸. عبدالسلام، «السراب: مستقبل القوة النووية الاسرائيلية»، ص ۱۰، نقلًا عن: العربي، ۱۹۹۵/۲/۲۷ و الوفد، ۱۹۹۵/۲/۲۴.
۷۹. الحياة، ۱۹۹۸/۵/۲.
۸۰. الحياة، ۱۹۹۸/۶/۶.
81. Ma'ariv, 14/7/1998.
۸۲. الاهرام، ۱۹۹۸/۷/۱۵، الحياة، ۱۹۹۸/۷/۱۵.
۸۳. الحياة، ۱۹۹۸/۱۲/۲۸.
۸۴. عزمی، دراسات في الاستراتيجية الاسرائيلية، ص ۱۴۶.
۸۵. مختارات اسرائيلية، مركز الدراسات السياسية والاستراتيجية بالاهرام، السنة ۱، العدد ۳، مارس ۱۹۹۵، ص ۸.